

برنامه نوین حزب توده ایران، و مرحله ملی - دمکراتیک



خود دانسته است، و در کنار دیگر نیروها، در صف اول مبارزه برای دموکراسی و ترقی قرار دارد. حزب توده ایران از همان دوره بنیادگذاری، با تشخیص تضادها و شرایط عینی و ذهنی جامعه، با مبارزه همزمان بر ضد فاشیسم، دیکتاتوری پهلوی، و امپریالیسم، در زمره مهم ترین نیروهای مترقی فعال بوده است. حزب ما از آغاز تاسیس، در راستای تغییرهای بنیادی و جهش انقلابی جامعه، از اصلاحات عمیق دمکراتیک و با ثبات پشتیبانی

ششمین کنگره حزب توده ایران در شرایط بغرنج حاکم بر جهان، منطقه، و ایران، برگزار گردید. این کنگره وظیفه تعیین راستای سیاسی قدیمی ترین حزب مطرح میهن مان را برعهده داشت، یعنی حزبی که هفتاد و یک سال پیش بنیاد گرفت و تا اکنون در مبارزه مردم ایران در مسیر آزادی، دفاع از حاکمیت ملی، و عدالت اجتماعی، نقش بی همتایی داشته است. حزب توده ایران، طی هفت دهه گذشته، تحلیل شرایط مشخص برای ارائه برنامه عملی منطبق با امکان های عینی و ذهنی هر مرحله را هدف

ادامه در صفحه ۲



شماره ۹۲۱، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

در این شماره

مخالفت وکلای دادگستری با مجازات های ابتکاری قوه قضاییه! ص ۷
منافع منافع طبقه کارگر، احیای حقوق سندیکایی، و ضرورت پیوند مبارزه صنفی با مبارزه سیاسی ص ۸
به مناسبت ۶۵ مین سالگرد روز فاجعه فلسطین ص ۹

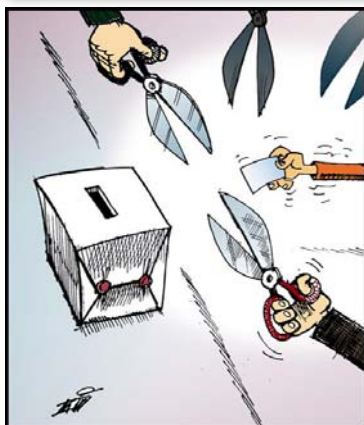
صنایع کلیدی، عرصه تاخت و تاز برای حداکثر چپاول

ابعاد فساد موجود در صنعت پتروشیمی کشور و نقش حاکمیت در آن

موضوع اختلاس و حیف و میل سرمایه های ملی که به تمامی مردم ایران تعلق دارد، پدیده نوظهور و عجیبی نیست. تاریخ گذشته و معاصر ایران مصایبی از این دست در جهت نفع اقلیتی بسیار محدود و به ضرر توده های میلیونی را همواره شاهد بوده است. اما آن چیزی که این پدیده را در رژیم ولایت فقیه استثنایی کرده است بدهای عظیم حیف و میل ها و سوء استفاده هایی است که صورت می گیرد. غارت منابع ملی در رژیم ولایت فقیه آن چنان گسترده و عظیم است که ما به طور میانگین هر ماه خبرهایی جدید را از حیف و میل به وسیله شخصیت هایی که یا از سردمداران رژیمند و یا به نحوی با آنان در ارتباطند می شنویم. جالب اینکه، هراز چند گاهی

ادامه در صفحه ۳

برنامه ها و هدف های ولی فقیه و ارتجاع برای انتخابات مهندسی شده روشن است؛ باید روند برگزاری انتخابات را به عرصه مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه تبدیل کرد!



”اگر بنا باشد اصلاح طلبان یا افرادی از آنان را از رده خارج کنند هیچ حساب افکار عمومی و افکار جهانی را هم نمی کنند! آن چه مهم است این است که کسانی را که نمی خواهند نیابند و من مطمئن هستم که نمی خواهند ما بیاوریم. تازه اگر از این مرحله هم بگذریم حق نداریم بیش از آن چه می خواهند رای بیاوریم!“
محمد خاتمی

طرح این سخنان عوام فریبانه از سوی رهبر رژیمی که ایران را به وضعیت فاجعه بار کنونی کشانده است تنها یک معنای می تواند داشته باشد و آن اینست که مرتجعان حاکم نه تنها منکر واقعیت های سخت و تکان دهنده پیش روی مردم اند بلکه همچنین مترصدند که این شرایط را به قیمت نابودی بیشتر کشور و با استفاده از همه امکانات و اهرم هایی که در دست دارند ادامه دهند. کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸، که

ادامه در صفحه ۶

برخلاف مدعیات دروغ ولی فقیه رژیم، ایران در شرایطی بسیار بحرانی به سمت انتخابات ریاست جمهوری می رود. ورشکستگی اقتصادی که حاصل سیاست های کلان تحمیل شده از سوی رهبری رژیم است، در کنار فساد بی سابقه دستگاه دولتی، بی ارزشی ارز داخلی، سقوط تولید و ورشکستگی واحدهای تولیدی کشور، بیکاری میلیون ها، فقر و محرومیت بی سابقه، و ناهنجاری های دردناک اجتماعی، تنها نمایشگر بخشی از فاجعه ای است که از سوی رژیم ضد مردمی کنونی بر میهن ما تحمیل شده است. خامنه ای در سخنان اخیر خود ضمن تهدید مجدد مخالفان و دگراندیشان مدعی شد که گویا کسانی می خواند ایران را به عقب برگردانند.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ”ولایت فقیه“!

ادامه برنامه نوین حزب ...

کرده است، و با هدف استراتژیک سوسیالیسم، برنامه‌های مشخص گذر مرحله به مرحله جامعه را تدوین کرده است. حزب ما در پرورش و جذب بسیاری از شخصیت‌های فرهیخته سیاسی-اجتماعی و هنرمندان تاریخچه پربراری دارد. این نفوذ فرهنگی-هنری مردمی حزب در سطح‌های مختلف جامعه، در برهه‌های کلیدی تاریخ میهن‌مان عامل مهم نضج‌گیری شرایط ذهنی در افکارعمومی و نزدیک‌تر شدن نیروهای سیاسی مترقی به سوی برپایی اتحادها برای حرکت جامعه بوده است، امری که هنوز هم ادامه دارد.

هسته سیاست‌گذاری حزب توده ایران پیش‌گامی در برپایی اتحادهای موثر از طریق بررسی و بحث سازنده پیرامون برنامه ترقی‌خواهانه نیروهای ملی و دمکراتیک با هدف سازمان‌دهی جبهه وسیع بوده است. حزب توده ایران در هفتاد و یک سال از زندگی خودش، در هر برهه کلیدی مبارزه مردم ما دربرخیزترین شرایط با برنامه‌های روشن "مردمی و ملی" وارد عرصه مبارزه شده است. مسلماً در این مسیرپیچیده و مبارزه همزمان با رژیم‌های دیکتاتوری و دست‌اندازی امپریالیسم، برخی سیاست‌های عملی حزب ما دستخوش لغزش‌ها و خطاهایی بوده و این امر نیز در مبارزه سیاسی ناگزیر است، اما می‌توان گفت که، برنامه‌های حزب توده ایران بر پایه درس‌گیری از گذشته، به‌طور دائم حل‌انگیزی اساسی‌ترین تضادهای هر مرحله مشخص را در دستور کار خود داشته‌اند.

تحلیل‌های حزب ما از شرایط مشخص کنونی نشان می‌دهند که، گذر به مرحله ملی-دموکراتیک همانا چشم‌گیری است که نیروهای مترقی ملی و مردمی، به‌وسیله برنامه حداقلی مشترکی، می‌بایست آن را متحدانه به سرانجام رسانند. بررسی تاریخی و منطقی مبارزات کشور ما به روشنی نشان می‌دهد که، در برهه کنونی این چشم‌گیری تنها در سطح گسترده ملی امکان‌پذیر است، زیرا هیچ طبقه و قشر اجتماعی ای نتوانسته و نمی‌تواند این امر را به‌تنهایی به ثمر رساند. بر این اساس، کنگره ششم حزب توده ایران (بهمن‌ماه ۱۳۹۱) گذر از دیکتاتوری ولایتی به سوی دموکراسی در "سطح ملی" به منظور تأمین زمینه‌های عینی لازم برای پی‌ریزی مبانی عدالت اجتماعی با حفظ حاکمیت ملی را در برنامه‌ی روشن و فراگیر به جنبش مردمی کشورمان ارائه کرده است. بر پایه برنامه مصوب کنگره ششم، حزب ما همکاری هدفمند و واقعی با نیروهای میهن‌دوست و آزادی‌خواه را خواهد داشت.

بررسی فرایند پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری بهمن ۱۳۵۷ و سپس شکست آن به‌وسیله رهبری مذهبی در اتحاد با بورژوازی تجاری سنتی، و همین‌طور خیزش و افت جنبش‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌وسیله نیروهای "اسلام سیاسی"، دربردارنده درس‌آموزی‌ای مهم است: برای گذر به مرحله ملی-دموکراتیک، نیروهای مبارز به برنامه‌ی روشن با سمت‌گیری به سوی اقتصادی مردمی و در ارتباط ارگانیک با دموکراسی‌سازی می‌بایست مجهز باشند. در این رابطه، مضمون حق حاکمیت ملی بعدهای گسترده و پیچیده‌ای دارد. تعیین سیاست‌های کلان ملی بدون فشار و دخالت قدرت‌های خارجی وجه مهمی از حق حاکمیت ملی است که پشتوانه پایداری آن در قبال تدوین برنامه اقتصادی مردمی به‌وسیله حکومتی ملی متکی به حمایت قشرها و طبقه‌های کار اجتماعی و تولید ملی انجام‌پذیر است. بدون تردید سرمایه‌داری کمپرادور (وابسته)، بورژوازی بوروکراتیک، کلان سرمایه‌داری تجاری، و نمایندگان سیاسی‌شان، به‌لحاظ ماهیت‌شان، خواهان و یا قادر به تثبیت حق حاکمیت ملی از لحاظ اقتصادی-سیاسی نیستند. از این‌رو، دست‌یابی به شرایط دفاع از حق حاکمیت ملی را با تکیه بر طبقه‌ها و قشرهای کار از جمله کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهری، خرده بورژوازی، و سرمایه‌داری ملی ارزش‌افزا، امکان‌پذیر است. بورژوازی بوروکراتیک-که سپاه پاسداران در صدر آن قرار دارد-به همراه کلان سرمایه‌داری تجاری غیرتولیدی و لایه‌های الیگارشی مالی رانت‌خوار، شریکان ساختارهرم قدرت رژیم ولایت فقیه، شرایط پایدار تثبیت حق حاکمیت ملی در بُعدهای به هم بافته اقتصادی و سیاسی را نمی‌توانند به‌وجود آورند. عریضه‌کشی‌های توخالی "ضد استکباری" نمایندگان سیاسی این لایه‌های سرمایه‌داران کلان‌انگلی در عرصه روابط بین‌المللی، و ماجراجویی بی‌ثمر آن‌ها در برابر کشورهای پر قدرت نه تنها هیچ‌گونه شرایط عینی و ذهنی‌ای در جهت دفاع از حق حاکمیت ملی سیاسی و اقتصادی را به وجود نمی‌آورد، بلکه بر خلاف آن نیز عمل کرده است. کشور ما، سه دهه پس از انقلابی مردمی جهت

دست‌یابی به توسعه و پیشرفت در چارچوب حفظ حاکمیت ملی، هنوز اقتصادی عقب‌مانده تک‌محصولی وارداتی و شدیداً وابسته به دلار دارد که به‌راحتی قربانی تحریم‌های هدفمندانه و دخالت‌جویانه آمریکا شده است. برنده‌های اصلی این سیاست‌های ویرانگر از دهه ۷۰ خورشیدی همان لایه‌های بالایی سرمایه‌دارهای کلان مرتبط با جناح‌های قدرت‌اند که اقتصاد کشور ما را به حراج گذاشته و تاراج کرده‌اند. طی دو دهه گذشته، به بهانه شتاب دادن به رشد اقتصادی، برنامه‌های "صندوق بین‌المللی پول" در جهت پرورش بنیان‌های "اقتصاد بازار" از زمره ابزار لازم تمرکز سرمایه‌های مالی و تجاری غیر تولیدی-دلالتی بوده‌اند. در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد این روند با شتاب بیشتر گسترش پیدا کرده است، و طرح هدف‌مندی یارانه‌ها عملاً در جهت شدت دادن به سقوط تولید داخلی و اوج‌گیری سیل انواع واردات از چین و دستیابی به مافوق سودهای دلالتی عمل کرده است. طبیعتاً لایه‌های بالایی بهره‌مند از ماهیت ضد مردمی اقتصاد سیاسی کنونی، با وجود رقابت و گاه برخورد‌های سنگین بین نمایندگان سیاسی‌شان، هیچ‌گاه خواهان اصلاحات عمیق و تغییرهای اساسی نخواهند بود. در این راستا تاکنون دستگاه پر قدرت ولی فقیه، به برکت قدرت سرکوب سپاه و به "رهبری" شخص خامنه‌ای، توانسته است تداوم وضع موجود را در سایه نظام دیکتاتوری حفظ کند. بنابراین، استمرار ثبات نسبی برآمده از دیالکتیک منافع و تضادهای بین قدرت‌های سیاسی-اقتصادی درون هرم قدرت، مهم‌ترین دستور کار در تصمیم‌گیری‌های هیئت حاکمه نظام خواهد بود.

از این‌رو، "برنامه نوین حزب توده ایران"، در تحلیل شرایط عینی گذر به مرحله ملی-دموکراتیک، با درک رابطه ارگانیک در فرایند دگرگون‌سازی‌های سیاسی و اقتصادی، نشان می‌دهد که نقطه شروع تغییرهای بنیادی مترقی، به نحو نقش محوری فعالیت‌های دلالتی سرمایه‌های خصوصی کلان وابسته است. برنامه حزب همین‌طور بر ایجاد مکانیسم‌های لازم برای محو سرمایه‌داری بوروکراتیک از جمله به وسیله شفاف‌سازی و پاسخ‌گو بودن فعالیت‌های نهادهای دولتی تأکید می‌کند. در این زمینه برنامه حزب ما به لزوم محدود کردن تمرکز سرمایه‌های خصوصی اشاره می‌کند. زیرا رشد انحصاری سرمایه خصوصی سرانجام به سوی مالی‌گرایی متمایل می‌شود و بسترساز اقتصاد بی‌ثبات غیرتولیدی رانت‌خوار است که نمونه بارزتر آن را در برخی اقتصادهای کازینویی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری می‌توان دید. در این رابطه تحلیل‌های حزب ما بارها به این مسئله کلیدی اشاره کرده‌اند که این لایه‌های اقتصادی غیرتولیدی انگلی و پرنفوذ عامل مسدودکننده فرایند تغییرها به سوی دموکراسی‌سازی بوده و خواهند بود. با وجود شرایط متفاوت، نمونه حرکت‌های ضد دموکراتیک سرمایه‌های مالی کلان را می‌توان در جریان بحران اقتصادی اروپا، مثلاً در کشورهای بریتانیا، یونان، و ایتالیا مشاهده کرد. در این کشورها لایه‌های پر قدرت سرمایه کلان مالی و رانت‌خوار، حقوق دموکراتیک شهروندان را به‌سهولت از طریق نفوذ بر دولت‌ها پامال می‌کنند. در این رابطه برنامه کنگره ششم با بررسی تاریخی نقش انحصاری این لایه‌های سرمایه‌داری غیرتولیدی در اقتصاد سیاسی و پیوند ارگانیک نمایندگان سیاسی آن‌ها با دیکتاتوری ولایت فقیه لزوم حیاتی ایجاد جبهه واحد ضد استبدادی را مورد تأکید قرار می‌دهد. زیرا تنها قشرها و طبقه‌های متصل به کار و تولید اجتماعی که از نظر اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی منافع آن‌ها در تضاد با این لایه‌های انگلی و رانت‌خوار قرار می‌گیرد، می‌توانند به‌طور متحد توازن نیروی مادی لازم برای شکست دیکتاتوری ولایتی و گذر به مرحله ملی-دموکراتیک را فراهم آورند. ما معتقدیم که، هر نوع سیاست‌گذاری در مبارزه با استبداد حاکم و از جمله برخورد با نمایش انتخاباتی خرداد ۱۳۹۲ را بر اساس چگونگی بسترسازی چشم‌گیری جامعه به مرحله دموکراتیک-ملی می‌بایست معین کرد. واقعیت انکارناپذیر این است که در این راه به غیر از رویایی متحدانه با ولی فقیه و منافع سیاسی-اقتصادی نیروهای ذوب در ولایت که شریان‌های اقتصادی کشور را به دست دارند راه دیگری موجود نیست. بنابراین، راه به جلو مستلزم رهبری قوی و جسورانه جنبش مردمی به وسیله تلفیق هوشمندانه خواست‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی است. فقط با اتکاء به نیروهای اجتماعی و در دست داشتن یک "برنامه حداقلی" می‌توان با کار سازمان‌یافته و صورت‌دهنده در سطح جامعه شرایط ذهنی ضروری برای گذر از مرحله استبداد را به صورت موثر پروراند. در این رابطه برنامه نوین مصوب کنگره ششم حزب توده ایران در بخش "مشوری برای وحدت عمل و آزادی ایران از چنگال استبداد و دیکتاتوری" به تفصیل مکانیسم‌های عملی گذر از دیکتاتوری به مرحله دموکراتیک در سطح ملی در بعدها سیاسی-اقتصادی-اجتماعی مورد نظر قرار می‌دهد.

ادامه صنایع کلیدی عرصه ناخست و ناز ...

برای جلوگیری از خشم افکار عمومی، کمیته، سازمان، و یا ارگانی را برپا می‌کنند که مأموریت‌شان تحقیق و تفحص و جلوگیری از غارت منابع ملی است. روزنامه کیهان، ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹، یعنی کمی بیش از سه سال قبل، در این باره نوشت: "ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی در پی صدور فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری در اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰ در دو سطح سران سه قوه و دبیرخانه ستاد، متشکل از وزیر اقتصاد و دارایی، وزیر اطلاعات، وزیر بازرگانی، نمایندگان مجلس، و... شکل گرفت. بر اساس فرمان رهبر معظم انقلاب این ستاد وظیفه بررسی راهکارهای مقابله با مفساد اقتصادی و شناسایی رانت‌خواران و سوءاستفاده کنندگان از بیت‌العمل را بر عهده داشت. پس از تشکیل این ستاد جلسات سران سه قوه در همین راستا در ابتدا به صورت دو هفته‌ای و سپس به صورت ماهانه و نهایتاً دو ماه یکبار تشکیل شد، اما اخبار رسمی آن کمتر به اطلاع مردم رسید. از آخرین جلسه سران سه قوه در خصوص مبارزه با مفساد اقتصادی مدت‌ها می‌گذرد. در این جلسات لااقل سه بار به طور رسمی بر اطلاع رسانی از عملکرد ستاد تأکید شده است. اما تاکنون هیچ گزارش مدون و رسمی از عملکرد این ستاد ارائه نشده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد ستاد حتی به مصوبات خود نیز عمل نمی‌کند." در نوشتار بالا تعجبی از عملکرد تاکنونی ستاد نام برده شده مشاهده نمی‌شود، و دلیل آن هم مشخص است. افرادی که در این ستاد قرار بوده است به مبارزه با مفساد اقتصادی برخیزند خود از جمله شخصیت‌هایی‌اند که در این اختلاس‌ها دست داشته‌اند و یا به‌نحوی در آن شریک بوده‌اند، و به دلیل شدت پیدا کردن تضادها بین حکومتیان و افشاگری‌های خودشان برضد همدیگر، به‌خصوص در طول یکی دو سال گذشته، چهره واقعی‌شان نزد افکار عمومی بیش از پیش آشکار شده است. یکی از افشاگری‌های اخیر به پتروشیمی مربوط می‌شد. خبرگزاری فارس، ۵ اسفندماه ۹۱، در خبری با عنوان: "بازداشت سلطان بازار پتروشیمی"، نوشت: "منابع مطلع معتقدند بخش عمده‌ای از بازار پتروشیمی در دهه اخیر در قبضه وی بوده است و اگر کسی بر خلاف نظر و رای وی در این بازار عمل می‌کرد به طرق گوناگون از دور رقابت بازار این محصولات حذف می‌شد." خبرگزاری فارس در قسمتی دیگر از گزارشش، که نشان دهنده درهم‌تنیدگی منافع سردمداران و دست‌اندرکاران حاکم با چنین شخصیت‌هایی است، آورده است: "این گزارش حاکی است یکی از مقامات عالی‌رتبه اجرایی با آگاهی از اقدامات فرد یاد شده چند سال پیش دستور برکناری وی را صادر کرد اما تعلق وزارت نفت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی در برخورد با نامبرده و همچنین اعمال نفوذ بعضی گروه‌های خاص باعث ابقای وی در سمت خود طی مدت طولانی شد چنانکه این شبکه در حال حاضر به صورت همزمان در حال تلاش برای اعمال نفوذ و لووت کردن پرونده و ارائه آدرس‌های غلط رسانه‌ای در این باره هستند." بنابر گزارش خبرگزاری فارس، دامنه سوء استفاده شخص یاد شده در این پرونده، ۴۲۰ میلیون یورو بوده است، و ارزش حاصل از صادرات آن به خارج کشور بازگردانده نشده است. لازم به توضیح است که، اخیراً گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از ایران می‌رسد مبنی بر اینکه، به علت محدودیت‌های مالی [ارزی]، واردات دارو به‌وسیله دولت محدود شده است، و دارو با قیمت‌هایی گران‌تر از پیش در اختیار بیماران نیازمند قرار می‌گیرد. با این میزان پول حیف و میل شده می‌شد جان عده زیادی از بیماران را نجات داد. همین خبرگزاری، ۷ اسفندماه ۹۱، گزارش داد که، مدیر دفتر بازرگانی پتروشیمی در دبی نیز بازداشت شد. در تاریخ ۶ اسفند ماه در گزارشی دیگر به "گمانه زنی‌ها در باره برکناری مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح" پرداخت، و نوشت: "بعضی منابع مطلع این برکناری ناگهانی را از اولین پس‌لرزه‌های بازداشت سلطان پتروشیمی ارزیابی می‌کنند." برهیچ‌کس پوشیده نیست که این به‌اصطلاح دستگیری‌ها "مبارزه" با اختلاس‌ها جز تسویه حساب بین گروه‌های غارتگر حکومتی چیز دیگری نیست. دلیل آن هم این است که، ده سال پس از فرمان سید علی خامنه‌ای و سه سال پس از تشکیل جلسه سران غارتگر سه قوه نه‌تنها ریشه کنی این بلا را شاهد نیستیم، بلکه هر روز از سوی خود حکومتیان بعدها نجومی تازه این چپاول‌ها رونمایی می‌شود. اختلاس در پتروشیمی به زمان حاضر منحصر نمی‌شود، قبلاً هم مورد‌های مشابه را شاهد بوده‌ایم. خبرگزاری فارس، ۲۴ بهمن ماه ۹۱، گزارشی را انتشار داد که در آن به بررسی اختلاس در پتروشیمی ایلام پرداخته بود. بر اساس این گزارش، مدیر عامل این مجتمع در سال ۸۹ به دنبال اختلاسی ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد

تومانی بازداشت گردید. خبرگزاری فارس در قسمتی دیگر از گزارشش درباره پیگیری این پرونده می‌نویسد: "... با گذشت دو سال از بازداشت موقت د. ف سرنوشت پرونده زد و بند مدیر عامل سابق پتروشیمی ایلام در ایهام به سر می‌برد و به نظر می‌رسد انگیزه‌ای برای رسیدگی به این پرونده وجود ندارد." سایت تابناک، ۶ دی ماه ۸۹، از "بر باد رفتن سرمایه ۳۳ میلیارد تومانی یک شرکت پتروشیمی" خبر می‌دهد که بر اساس آن، رئیس سابق هیئت مدیره شرکت پتروشیمی زنجان، با شکایتی به سوء استفاده از اموال، اعتبارات، اختیارات قانونی به سود مقاصد شخصی، تبانی و تحصیل مال نامشروع متهم شده است. سایت تابناک در این باره می‌نویسد: "این فرد با نفوذ خود در هیئت مدیره، کنترل ۳۵ میلیارد تومان از اموال عمومی و سهامداران زنجان را به دست گرفته و علاوه بر خودداری از پرداخت مبلغ مورد تعهد خود اقدام به حیف و میل ۳۳ میلیارد تومان از نقدینگی شرکت می‌نماید." تابناک هیچ‌گونه اسمی از فرد یاد شده نیاورده است، اما خبرگزاری ایسنا، ۳۰ دی ماه ۹۱، گزارش داد که چهار نفر از مدیران سابق شرکت پتروشیمی زنجان به ۱۲ سال حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی محکوم گردیدند. نام‌های این متهمان در گزارش ایسنا با حروف اختصاری آورده شده است. سایت "اقتصاد ایران آنلاین"، ۱۸ اردیبهشت‌ماه، در همین ارتباط به تاریخچه احداث این مجتمع نیز پرداخته است: "... آذر ماه ۱۳۸۵ کلنگ مجتمع پتروشیمی زنجان به زمین زده شد تا با راه اندازی آن روزانه ۳۰۰ میلیون تومان عایدی نصیب کشور شود. حال نزدیک به ۸۰ ماه از این مراسم می‌گذرد و همچنان راه اندازی و بهره برداری از این مجتمع نامشخص است." پروژه‌یی که قرار بوده است علاوه بر ایجاد شغل، منبع درآمدزایی نیز برای کشور باشد، نه تنها راه اندازی نشده است، بلکه بهانه‌ی بی‌پایه بوده است تا از طریق آن عده‌یی که قاعدتاً در این مورد به دولت احمدی نژاد وابسته‌اند درآمدهای میلیاردی را نصیب خویش سازند. تاسف بار اینکه، حجم چشمگیری از این پول‌های اختلاس شده به مردم عادی تعلق داشته است که با وعده و وعیدهای گوناگون آنان را به سرمایه گذاری در این مجتمع ترغیب کرده بودند. همشهری آنلاین، ۱۹ مهرماه ۹۱، نیز گوشه‌یی دیگر از دامنه فساد موجود در صنعت پتروشیمی را افشا می‌کند و می‌نویسد: "حضور برخی از بدهکاران دانه‌درشت بانکی و فعالیت شرکت‌های صوری به نام سهام‌داران بخش خصوصی به چالش جدید توسعه پتروشیمی کشور تبدیل شده است به طوری که گسترش این نوع فعالیت‌ها موجب شده یک پتروشیمی پس از ده سال هنوز رنگ تولید و بهره برداری را به خود نینداند. اجرای وارونه سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری‌های کارشناسی نشده منجر به زمین‌گیر شدن برخی طرح‌های تولیدی و استراتژیک صنعت پتروشیمی کشور شده است." وضعیت فاجعه بار کنونی که از سوی خودی‌های حکومتی درباره آن افشاگری می‌شود، همان نولیبرالیسم اقتصادی‌ای است که در دیگر کشورها هم منابع ملی را با عنوان "خصوصی سازی" در اختیار کسانی قرار می‌دهد که با قدرت در ارتباطند. این شیوه در ایران به همان ترتیب منتها به شکلی بسیار مشتمل‌کننده‌تر به‌اجرا درآمده است، و در کشاکش چپاول منابع ملی، گروه‌های گوناگون درون حکومتی به جان یکدیگر افتاده‌اند. حاصل این رویکرد علاوه بر چپاول، نابودی صنایع موجود را هم رقم می‌زند. همشهری آنلاین، ۳۱ اردیبهشت ۹۰، به نقل از محمد رضا نعمت زاده، گزارش داد که پیشرفت سالانه پتروشیمی ایران کمتر از نیم درصد است. استناد به همین سخنان بدین معنا است که اصولاً هدف کارآفرینی هم در این روندها اصولاً مطرح نیست. بررغم تمامی شواهد موجود که به‌وسیله خبرگزاری‌های رسمی حکومتی و دیگر شخصیت‌های درگیر تاکنون بیان شده‌اند، وزیر نفت در همایش بین‌المللی پتروشیمی ایران، ضمن دعوت از سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در صنعت پتروشیمی ایران، ادعاهایی کرد که با داده‌های تاکنونی مغایرت دارد. رستم قاسمی در این ارتباط گفت: "امروز بیش از ۴۵ واحد پتروشیمی در کشور در حال تولید است و ۶۰ واحد پتروشیمی در حال ساخت داریم که ظرفیت تولید به بیش از ۱۰۰ میلیون تن در سال می‌رسد که هنوز هم جا برای توسعه صنعت پتروشیمی وجود دارد." سوال اصلی این است که، باید سخنان رستم قاسمی را باور کرد یا سخنان نعمت زاده را که سخن از پیشرفت نیم درصدی می‌کند؟ اگر رستم قاسمی مدعی است که بیش از ۱۰۰ واحد پتروشیمی در حال تولید و احداثند، پس لزوم حضور سرمایه‌گذاران خارجی برای چیست؟ اگر قرار است سرمایه‌گذاران خارجی وارد این عرصه بشوند پس واگذاری این پروژه‌ها به کسانی که نیتی به‌جز چپاول نداشته‌اند به چه منظوری بوده است؟ سایت بازتاب چندی پیش در رابطه با "چهره‌های پشت پرده قدرت در ایران"، نوشت: "در حالی که هیچ‌یک از جریان‌های سیاسی نسبت به آینده خود پس از انتخابات تصور روشنی ندارند، رانت‌خواران و دانه درشت‌های اقتصادی با خیالی آسوده در



سازی صنایع راهبردی و کلیدی از جمله صنعت ملی نفت ایران است. آنچه برنامه خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران را به اولویت اصلی سیاست گذاری مقام های وزارت نفت تبدیل کرده است، اثرهای ویرانگر تحریم های امپریالیستی است. به دیگر سخن، واپس گرایان با بهانه کردن تحریم ها، برشتاب خصوصی سازی افزوده اند، و انحصارهای امپریالیستی نیز از این موضع گیری ها استقبال می کنند. به همین علت نیز مدیران ارشد شرکت نفت از مذاکره با "خارجی ها" برای سرمایه گذاری میدان های نفت و گاز و بستن قراردادهای مشارکت در تولید، سخن می گویند. یکی از شرط های اصلی شرکت های بزرگ نفتی برای حضور در بازار پُرسود ایران (پس از حل و فصل مسئله های موجود بین شان و رفع تحریم ها) مشارکت در تولید و سهمی شدن در مالکیت میدان ها است. برنامه خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران، به طور جدی و گام به گام در حال اجراست. این برنامه با حق حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور مغایر است!

سوء تغذیه و فقر غذایی، زندگی کودکان کشور را تهدید می کند

یکی از پیامدهای گسترش فقر در جامعه، افزایش آمار سوء تغذیه و فقر غذایی کودکان در سراسر کشور است. چندی پیش رسانه های همگانی اعلام کردند که، لاقال ۲۰۰ هزار کودک زیر ۶ سال در کشور از فقر غذایی و سوء تغذیه رنج می برند و سلامتی و آینده آنان در معرض تهدیدی جدی قرار دارد. ایلنا، ۲۸ اسفندماه ۱۳۹۱، گزارش می دهد: "در کشور ۱۲ هزار بیمار صعب العلاج و بیش از ۲۰۰ هزار کودک زیر ۶ سال دچار فقر غذایی وجود دارد." بنابر این گزارش، مدیرکل امور بهداشت، بیمه های اجتماعی و درمان کمیته امداد، در مصاحبه با ایلنا، اعتراف می کند: "استان سیستان و بلوچستان با داشتن ۸ هزار کودک مبتلا به فقر غذایی بیشترین مشکل را در کشور دارد... کودکان نیازمند تغذیه مناسب هستند که در حال حاضر به ۵۰ هزار کودک نیازمند سبدهای غذایی تعلق می گیرد و این در حالی است که ۲۰۰ هزار کودک در نوبت قرار گرفته اند و نتوانسته ایم تمامی کودکان را پوشش دهیم... تغذیه کودکان زیر ۶ سال با توجه به اینکه بهترین زمان رشد مغز در شش سالگی است، اهمیت ویژه ای دارد... اگر مواد غذایی مناسبی در این زمان به کودک نرسد رشد مغزی کامل نمی شود و در آینده آن کودک نمی تواند از جایگاه خوبی در جامعه بهره مند شود... از ۲۰ هزار دانش آموز تحت پوشش [کمیته امداد] که مورد غربالگری قرار گرفته اند ۸۶۰۰ نفر مشکوک یا مبتلا به بیماری هایی مثل کم خونی و بیماری های ناشی از فقر غذایی هستند." سوء تغذیه و فقر غذایی در سالیان اخیر در سراسر کشور، به ویژه منطقه هایی محروم مانند استان های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، و کرمان، افزایشی نگران کننده داشته است. کودکان و نوجوانان طبقه های محروم جامعه، به غذای کافی و مناسب دسترسی ندارند. سطح دستمزد و میزان درآمد خانوارهای کارگری، کارمندی، و روستایی، فقر غذایی و سوء تغذیه را در میان کودکان این خانوارها شدت بخشیده است. ایلنا در گزارشی به مقایسه میزان حداقل دستمزد سال ۹۲ کارگران با قیمت های موجود پرداخته است، و می نویسد: "راهنمای تهیه خوراک با دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی. یک خانوار ۴ نفره به طور میانگین ۲۰ کیلو برنج در ماه مصرف می کند و اگر بخواهد هر وعده غذایی خود را با برنج خالی سر کند این میزان به ۵۰ کیلو در ماه می رسد. قیمت هر کیلو برنج آن هم از نوع نامرغوب و بی کیفیت حداقل ۵ هزار تومان است، بنابراین هزینه تهیه "خوراک شاهانه" برای یک خانوار ۴ نفره در ماه ۲۵۰ [به] هزار تومان می رسد... قیمت یک بسته پنیر سفید در بازار در کمترین حالت ۴۲۰۰ تومان است و تهیه هر عدد نان سنگک ۶۰۰ تومان هزینه برمی دارد، بنابراین هر روز برای سه وعده غذای یک خانوار چهار نفره (متوسط خانوار طبق قانون کار) ۷۸۰۰ تومان خرج می شود، این مبلغ در یک ماه به ۲۳۴ هزار تومان می رسد که تقریباً نصف حقوق دریافتی کارگران است."

این نکته را نیز بیفزاییم که، هزاران کارگر اخراج شده و خانواده های آنان، کارگران فصلی و خانواده های شان، روستاییان فقیر که به حاشیه شهرها کوچ کرده اند، معلمان اخراجی، و جرایبان، حتی از دستمزدهای ثابت برخوردار نیستند. به این ترتیب، و با مقایسه دستمزدها و نرخ تورم، می توان به علت رشد نگران کننده فقر غذایی در میان کودکان کشور بهتر و دقیق تر پی برد! اجرای برنامه هایی نظیر آزادسازی اقتصادی - هدفمندی یارانه ها - تأثیری جدی در گسترش فقر و نابودی امنیت غذایی جامعه داشته و دارد. طبقه های محروم جامعه و کودکان این طبقه ها قربانی سیاست ها و برنامه های رژیم ولایت فقیه و ارتجاع حاکمند!

تخریب محیط زیست، در بُعدهایی گسترده

در طول سال های اخیر گزارش های پرشماری از تخریب محیط زیست کشور و نابودی گونه های ارزشمند گیاهی و جانوری در رسانه های همگانی انتشار یافته است. تخریب گسترده محیط زیست منصرف به فرد میهن ما در چهار سال گذشته اما بُعدهایی به شدت نگران کننده به خود گرفته است، و از این روی، اعتراض های مدافعان محیط زیست را در پی داشته و دارد. می توان یادآوری و تأکید کرد که، نابودی گیاهان، پارک های جنگلی، حیات وحش، دریاچه ها و رودخانه های کشور با سوداگری و رواج اقتصادی غیرمولد و انگلی ارتباط مستقیم دارد. به ویژه آنکه حضور ارگان های نظامی و امنیتی، به خصوص سپاه پاسداران، در فعالیت های اقتصادی و "عمرانی" وضعیت زیست محیط ایران را به مراتب وخیم تر از پیش ساخته است.

اخیراً برنامه اکتشاف نفت در پارک ملی کویر بر نگرانی های نهادهای مترقی مدافع محیط زیست افزوده است. خیرگزاری مهر، ۲۷ فروردین ماه، در گزارشی با عنوان: "آغاز اکتشاف نفت در پارک ملی کویر، سرنوشت هورالعظیم در انتظار پارک ملی کویر"، از جمله می نویسد: "اکتشاف نفت در پارک ملی کویر سرنوشتی همچون تالاب هور (هورالعظیم) در استان خوزستان و مجاور

صنعت ملی نفت، و برنامه خصوصی سازی رژیم ولایت فقیه

از هنگامی که پاسدار قاسمی به وزارت نفت گمارده شد، ارتجاع حاکم با سیاستی گام به گام، برنامه "خصوصی سازی" صنعت ملی نفت ایران را دنبال کرده است. مدیران ارشد شرکت ملی نفت اخیراً موضوع تغییر قراردادهای نفتی و جلب و جذب سرمایه خارجی را در حکم اولویت شان در دستور کار قرار داده اند. پس از آنکه تحریم های امپریالیستی به موقعیت میهن ما در بازار جهانی نفت و صدور آن فشارهای بیشتری وارد ساخته است و چالش های جدی ای را در برابر آن پدید آوردند، مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره اعلام داشت که، اجرای قراردادهای مشارکت در تولید و سهمی شدن در مالکیت چاه های نفت و منابع گاز در سطح شرکت ملی نفت ایران به طور کامل پذیرفته شده است.

خبرگزاری مهر، ۳ اردیبهشت ماه، نوشت: "پای قراردادهای مشارکت در تولید به صنعت نفت باز شد. مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره با اشاره به پیشنهاد جدید گازی هند به ایران از آسادگی و اگذاری قراردادهای مشارکت در تولید نفت و گاز به خارجی ها خبر داد... اجرای این تیپ قراردادهای نفتی در سطح شرکت ملی نفت ایران پذیرفته شده است. این مقام مسئول با یادآوری اینکه در حال حاضر اجرای قراردادهای مشارکت در تولید در دستور کار شرکت ملی نفت ایران قرار دارد، خاطرنشان کرد، از این رو مذاکراتی را هم با برخی از شرکت های خارجی آغاز کرده ایم." تغییر قراردادهای نفتی و پذیرش قراردادهای مشارکت و سهمی شدن در مالکیت میدان های نفت و گاز، بخشی از سیاست رژیم ولایت فقیه در راستای اجرای برنامه "خصوصی سازی" برپایه ابلاغیه "اصل ۴۴" است. براساس قرارداد مشارکت تولید، دولت جمهوری اسلامی میدان نفتی و یا گازی را به شرکت های خصوصی خارجی و داخلی واگذار می کند، و این شرکت ها با سرمایه گذاری کردن، بنابر مفاد و محتوای قرارداد، در توسعه، بهره برداری، فروش، و محصول [میدان نفتی و یا گازی]، سهم و شریک می شوند. سهم دولت و شرکت ها به نسبت توافق دوطرف تعیین می شود. در تمام مدت اجرای این نوع قراردادهای شرکت های خصوصی نفتی - به ویژه انحصارهای فراملی - در دوره معین در مالکیت چاه ها و میدان های نفت و گاز نیز شریک و سهممند. پس از پیروزی انقلاب بهمن، این نوع قراردادهای در کشور متنوع و غیرقانونی اعلام گردید، اما پس از شکست انقلاب و سيطرة تام و تمام واپس گرایان - به خصوص بعد از اجرای برنامه "تعدیل اقتصادی" - برنامه تغییر قراردادهای نفتی به موازات برنامه خصوصی سازی در دستور کار رژیم ولایت فقیه قرار گرفت. بخشی از برنامه آزادسازی اقتصادی، که به دستور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از سوی دولت احمدی نژاد و به نام "هدفمندی یارانه ها" به اجرا درآمده است، خصوصی

ادامه رویدادهای ایران ...

نهم ماه مه، ۶۸ سال از
پیروزی بر فاشیسم گذشت

۶۸ سال از پیروزی درخشان نیروی‌های ضد فاشیسم بر محور فاشیستی آلمان، ایتالیا، و ژاپن، در جنگ جهانی دوم می‌گذرد. ۶۸ سال پیش پرچم سرخ اتحاد جماهیر شوروی بر فراز رایشتاک آلمان، در برلین، به اهتزاز درآمد. ما در برابر همه آنانی که جان خود را در این نبرد باختند، آنانی که در شکنجه‌گاه‌های "اس-اس"ها و یا در اردوگاه‌های کار اجباری و یا در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها آزار شدند اما تسلیم نشدند، در برابر همه آنانی که آسیب جسمانی و روحی دیدند و یا خانواده‌های خود را در راه مقاومت همگانی از دست دادند، همه حزب‌های کمونیست و دیگر جنبش‌های ضد فاشیستی که برای شکست فاشیسم در اروپا و جهان پیکار کردند، سر تعظیم فرود می‌آوریم. پیدایش فاشیسم نه تنها عملکرد "یک فرد دیوانه" نبود، یعنی امری که عده‌یی در تلاش‌اند تا آن را به نسل جوان بقبولانند، بلکه نتیجه رقابت‌ها به منظور کنترل بازارها و منابع مواد خام در جهان بود، جنگی بود که برای انهدام سوسیالیسم، که آینده‌یی روشن را برای مردم اروپای سرمایه داری و کشورهای مستعمره نوید می‌داد، به‌راه انداختند.

علاوه بر ۲۰ میلیون شهروند و سرباز ارتش سرخ اتحاد شوروی که در نبردهایی قهرمانانه برضد نیروی‌های فاشیستی ارتش نازی رزمیدند و جان باختند، هزاران هزار تن کارگر و مردمان عادی در اسپانیا، ایتالیا، یونان، و سرزمین‌های دیگر، با سازمان‌دهی محلی، و برپا داشتن قیام‌هایی همگانی، در پیروزی بزرگ بر متجاوزان سهیم بودند. بدین‌گونه ثابت کردند که توده متشکل شکست ناپذیر است. امروزه بحران سرمایه‌داری جهانی تحمیل دشواری‌هایی بیشتر به مردم اروپا و آمریکا را موجب شده است، و این بحران در اوضاع اقتصادی دیگر کشورها نیز اثر گذاشته است. امروزه بهره‌کشی از نیروی کار به‌خاطر مبارزه مرگ و زندگی انحصارها و رقابت سرمایه، شدت هرچه بیشتری پیدا می‌کند. در این وضعیت گروه‌هایی در تلاش‌اند تا گرایش‌های فاشیستی و جو ضد کمونیستی و نژادپرستی را دامن بزنند. برانگیختن چنین گرایش‌هایی دشمنی با مردم و برضد منافع آنان است. بار دیگر با تشکل توده‌های کار و جنبش‌های مردمی چنین تحولاتی شکست خواهند خورد، چرا که فاشیسم چهره کریه سرمایه‌داری است، و این نمی‌تواند نظامی انسان دوست باشد.

مرز عراق برای این پارک رقم می‌زند... عضو هیات علمی موسسه تحقیقات جنگل و مرتع گفت، درحال حاضر در مورد پارک ملی کویر ارزیابی زیست‌محیطی قابل استنادی انجام نشده و ظاهراً حتی ارزیابی‌های فرمالیته هم که در مورد برخی پروژه‌ها انجام می‌شود ولی هرگز اجرا نمی‌شود نیز درمورد این طرح ضروری به‌نظر نرسیده است. "شایان یادآوری است که، حدود ۲ سال پیش رییس سازمان محیط زیست با زیرپا گذاردن قانون و بی‌توجهی مطلق به‌هشدار کارشناسان و فعالان محیط زیست، با اکتشاف نفت در پارک ملی کویر که یکی از مهم‌ترین و پراهمیت‌ترین و بکرترین منطقه‌های حفاظت شده زیست‌محیطی ایران، آسیای میانه و خاورمیانه است، موافقت کرده بود. پارک ملی کویر زیستگاه اصلی یوزپلنگ آسیایی و پلنگ ایرانی است که هردوی این جانوران در نوع خود در جهان منحصر به‌فردند. بنابر ارزیابی کارشناسان محیط زیست، بی‌توجهی مسئولان ذی‌ربط و شکار غیرقانونی حیوانات با مجوزهای "شرعی"، باعث شده است تا نسل این دو گربه‌سان کمیاب و بی‌همتا در معرض انقراض قرار بگیرد. به‌علاوه، پارک ملی کویر محل زندگی گونه خاصی از آهوی ایرانی است که جیبر نامیده می‌شود. برآورد کارشناسان داخلی و خارجی محیط زیست نشان می‌دهد که، لاقل ۴۰ درصد کل جمعیت این آهو در پارک ملی کویر زیست می‌کنند. نکته مهم دیگر اینکه، هم‌اکنون در پارک ملی کویر ۱۵ گونه حیوانات کمیاب همچون سگ‌سانان، کفتارها، و گربه‌سانان زندگی و زاد و ولد می‌کنند. این پارک ملی به‌دلیل پوشش گیاهی منحصر به‌فردش، دارای شرایط مناسبی برای زیست این جانوران است. خبرگزاری ایسنا، ۹ اردیبهشت‌ماه، در خصوص این پارک ملی، می‌نویسد: "آب به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در بقا و پویایی گونه‌های کویرزی محسوب می‌گردد... میزان آب کافی، پوشش گیاهی مناسب را فراهم نموده تا پارک ملی کویر زیستگاه اصلی و محل زاد و ولد یوزپلنگ، پلنگ‌ها و آهوی ایرانی باشد. "باتوجه به این واقعیت‌ها و بررغم اعتراض‌های مکرر مدافعان حفظ محیط زیست، دولت احمدی‌نژاد در چارچوب برنامه راهبردی رژیم ولایت‌فقیه، در دور چهارم سفرهای استانی‌اش، در استان سمنان دستور آغاز اکتشاف نفت در پارک ملی کویر را صادر کرد. تعرض به پارک ملی کویر و بی‌توجهی به هشدارهای کارشناسان، یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین منطقه‌های حفاظت شده کشور با ارزش اکولوژیکی بالا را در معرض تخریب و نابودی قرار داده است. ضروری است که همراه و همگام با همه مدافعان مترقی محیط زیست، با این اقدام رویارویی کرد. دفاع از محیط زیست کشور وظیفه‌یی دائمی است!

افزایش حجم نقدینگی: رشد نرخ تورم

با آغاز سال نو خورشیدی بسیاری از واحدها و کارخانه‌های تولیدی - صنعتی کشور در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند. گزارش رسانه‌های همگانی حاکی از وضعیت نابسامان صنایع مختلف به دلیل کمبود نقدینگی است. ایلنا، ۶ فروردین‌ماه، اعلام کرد: "تامین نشدن نقدینگی و سرمایه در گردش باعث بروز بحران‌های کارگری بود... درحال حاضر بیش از آنکه به تولید و صنعت بها داده شود، به سوداگری بها داده شده است." درحالی که واحدهای تولیدی و صنایع کشور دچار کمبود سرمایه و نقدینگی لازم به‌منظور ادامه فعالیتند، اما راه‌های رسمی نشان می‌دهد که حجم نقدینگی افزایش یافته است. روزنامه بهار، آخرهای اسفندماه، نوشته بود: "کل نقدینگی سال ۸۴ در کشور ۹۴ هزار میلیارد تومان بوده است، درحالی که نقدینگی ما هم‌اکنون رقمی در حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است، این یعنی ۵ برابر رشد داشته که این موضوع بدون رشد تولید، کالا و خدمات بوده است." از دیگر سو خبرگزاری تسنیم، ۶ فروردین‌ماه، در خصوص آمار نقدینگی و رشد آن، نوشته بود: "حجم نقدینگی در کشور که در اسفندماه ۹۰ بیش از ۳۵۲ هزار میلیارد تومان بوده است، طی ۹ ماه اول سال ۹۱ بیش از ۷۷ هزار میلیارد تومان افزایش یافت و از مرز ۴۳۰ هزار میلیارد تومان گذشت. نرخ رشد نقدینگی طی ۹ ماهه سال ۹۱ بیش از ۲۲ / ۱ درصد بوده است و طی یک سال منتهی به آذر ۹۱ نیز نرخ رشد نقدینگی به ۳۲ درصد رسید." این حجم نقدینگی اکنون درمجرای فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی قرار دارد و کلان سرمایه‌داری، به‌ویژه لایه انگلی و غیرمولد آن، سودهای هنگفت از چنین فعالیت‌هایی به جیب می‌زنند. درمقابل، علاوه بر رکود و تعطیلی واحدهای تولیدی و در نتیجه بیکاری گسترده ناشی از آن، این حجم عظیم نقدینگی سبب افزایش نرخ تورم و خانه‌خوابی مردم نیز شده است. مرکز آمار ایران، در هفته اول فروردین‌ماه، اعلام کرد: "تورم از مرز ۴۰ درصد گذشت." خبرگزاری مهر، ۱۳ فروردین‌ماه، یادآوری کرد: "تورم مواد خوراکی ۵۷ درصد، نرخ تورم نقطه به نقطه ۴۰ / ۱۶ درصد اعلام شد."

تورم افسارگسیخته کنونی سبب تنزل بیش از پیش سطح زندگی توده‌های وسیع مردم گردیده است، و به‌همان میزان به سودجویی لایه‌های انگلی دامن زده است. کاهش ارزش پول، در نتیجه نشر اسکانس بیش از حد لازم برای مبادله کالایی، ماهیت و مضمون واقعی سیاست‌های اقتصادی ارتجاع حاکم تلقی می‌شود. با توجه به حجم عظیم نقدینگی که خارج از مجاری تولیدی و مولد قراردارد، نباید فراموش کرد که، صاحبان سرمایه و کلان سرمایه‌داران به‌ویژه سرمایه بزرگ تجاری و بوروکراتیک، در جریان افزایش قیمت کالاها و خدمات - برخلاف زحمتکشان و مزدبگیران - نه تنها از تورم زیان نمی‌بینند، بلکه با بالا بردن نرخ کالاها و خدمات سود بیشتری نیز کسب می‌کنند.

افزایش حجم نقدینگی، و در نتیجه آن رواج بیش از پیش اقتصاد دلالی و غیرمولد، رشد نرخ تورم، و سقوط سطح زندگی مردم به‌خصوص زحمتکشان، نتیجه مستقیم برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه و راهبرد اقتصادی آن است. اکثر مردم ایران قربانی سودجویی و آزمندی لایه کم‌شماری از ثروتمندان زورگو و به‌شدت واپس‌گرایند. باید با مبارزه‌یی متشکل و در چارچوب اتحاد عملی وسیع میان طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی ناراضی، براین وضعیت ناگوار نقطه پایانی نهاد!

ادامه برنامه ها و هدف های ولی فقیه ...

در جریان آن رأی میلیون ها ایرانی با زور سرکوب و سرنیزه نیروهای سپاه و بسیج پایمال گردید نشانگر سیاست ها و شیوه هایی است که حکومت مداران کنونی آماده اند برای حفظ نظام سیاسی کنونی به کار گیرند. برای ما و اکثریت قاطع مردم میهن روشن است که برخلاف مدعیات دروغین ولی فقیه رژیم و دیگر مجیزگویان استبداد، حکومت کنونی نه یک حکومت "الهی" است و نه حکومتی مردمی بلکه حکومت جنایتکاران، اوباشان و نمایندگان سیاسی کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری دیوان سالار ایران است که سد اساسی راه هرگونه تحول اجتماعی-اقتصادی به سمت نجات ایران از وضعیت فاجعه بار کنونی است.

با پایان مهلت ثبت نام نامزدهای انتخاباتی و روشن شدن نامزدهای اصلی صحنه مبارزاتی انتخابات ریاست جمهوری پیش رو، بحث بر سر حمایت یا عدم حمایت از این یا آن نامزد انتخاباتی و همچنین موضوع شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات در مرکز توجه افکار عمومی و نیروهای سیاسی کشور قرار گرفته است. انصراف آقای خاتمی، به عنوان نامزد اصلی نیروهای اصلاح طلب، از ثبت نام و سخنان روشن و افشاگرانه او در زمینه دلایل عدم شرکت نامزد مستقیمی از طرف این نیروها در انتخابات، نباید جای شکی برای کسی مبنی بر برنامه های مرتجعان حاکم برای مهندسی انتخابات و برگماری مزدوری از قماش احمدی نژاد، همچنان که در انتخابات ۸۸ انجام دادند، باقی بگذارد.

محمد خاتمی در این زمینه با جسارت می گوید: "اگر بنا باشد اصلاح طلبان یا افرادی از آنان را از رده خارج کنند هیچ حساب افکار عمومی و افکار جهانی را هم نمی کنند! آن چه مهم است این است که کسانی را که نمی خواهند نیایند و من مطمئن هستم که نمی خواهند ما بیاییم. تازه اگر از این مرحله هم بگذریم حق نداریم بیش از آن چه می خواهند رأی بیاوریم!" این سخنان نیازی به تفسیر ندارد و همان ارزیابی و نتیجه گیری است که حزب ما نیز در هفته های اخیر بر آن تأکید کرده است. رد صلاحیت نزدیک به ۳۰۰۰ نفر از نامزدهای شوراهای شهر و محروم کردن اکثریت اصلاح طلبان و نامزدهای دگراندیش از شرکت در انتخابات شوراهای شهری نیز موید دیگری بر برنامه ها و شیوه عملکرد حاکمیت در شرایط کنونی است. بر اساس این ارزیابی باید به این نتیجه رسید که ورود هاشمی رفسنجانی به عرصه رقابت های انتخاباتی، با تأیید ضمنی خامنه ای، جایگزینی است که حاکمیت در چارچوب مخالفت جدی با شرکت نامزد مستقیمی از سوی اصلاح طلبان به آن تن داده است. بدیهی است که هاشمی رفسنجانی، به عنوان یکی از چهره های اساسی حکومت جمهوری اسلامی در طول سی سال گذشته کارنامه مشخصی دارد و رانده شدن او از هرم اصلی قدرت که زمانی تنها در دست او و خامنه ای انحصار یافته بود، وی را به یکی از منتقدان حاکمیت کنونی و نقش روز افزون فرماندهان سپاه در کنترل شریان های اساسی سیاسی-اقتصادی کشور تبدیل کرده است. ولی این انتقاد نه او را طرفدار جدی اصلاحات می کند و نه مخالف جدی شیوه مخرب حاکمیت کنونی. شرکت رفسنجانی در انتخابات گذشته به عنوان نامزدی در مقابل نامزد اصلاح طلبان، در انتخابات سال ۸۴، به خودی خود در این زمینه روشنگر است. اعلام حمایت خاتمی، جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و مجمع روحانیون مبارز از رفسنجانی زمانی صورت گرفت که برای اصلاح طلبان مشخص گردید که امکان شرکت در انتخابات را ندارند و به قول خاتمی: "آن چه مهم است این است که کسانی را که نمی خواهند نیایند و من مطمئن هستم که نمی خواهند ما بیاییم."

تجربه انتخابات در میهن ما

در ۱۶ سال گذشته مردم ما تجربیات ارزنده و گوناگونی را درباره

انتخابات در رژیم ولایت فقیه تجربه کرده اند. حماسه خرداد ۱۳۷۶ و رأی ۲۰ میلیونی مردم بر ضد نامزد اصلاح ولایت فقیه، ناطق نوری، پایه های رژیم ولایت فقیه را لرزاند. دوران حکومت ۸ ساله اصلاحات، اگرچه در اساس نتوانست پایه گذار تغییرات بنیادین و دموکراتیک در میهن ما گردد ولی توانست فضای سیاسی کشور را دگرگون کرده و امکان سازمان دهی اجتماعی را پدید آورد. سران ارتجاع دوران هشت ساله دولت اصلاحات را خطری جدی برای خود ارزیابی کردند و از این رو با نزدیک شدن پایان دوران ریاست جمهوری خاتمی مصمم بودند که هیچگاه دیگر اجازه ندهند تا این تجربه تکرار گردد.

تجربیات سه انتخابات متفاوت در طول ۹ سال گذشته، از انتخابات ریاست جمهوری سال های ۸۴ و ۸۸ تا انتخابات مجلس شورای اسلامی سال ۹۰، نمایشگر عملکرد روشن حاکمیت و رهبری سپاه و نیروهای سرکوبگر در مهندسی انتخابات، لگدمال کردن خشن رأی میلیون ها شهروند و در انتها برگماری مزدورانی همچون احمدی نژاد و دیگرانی همچون او بر کرسی منتخبان مردم است. سرکوب خونین اعتراض های میلیون ها ایرانی که با شعار "رأی من کجاست" به خیابان ها آمده بودند و تأیید روشن این سرکوب گری ها از سوی ولی فقیه رژیم و مرتجعان حاکم، که شماری از آنها امروز در لباس نامزدهای انتخاباتی به میدان مبارزه سیاسی آمده اند نباید جای هیچگونه خوشبینی کاذبی را درباره برنامه های رژیم باقی بگذارد. همچنان که ما در هفته های اخیر گفته ایم برنامه ارتجاع حاکم برگزاری یک انتخابات مهندسی شده، در چارچوبی "آبرومند"، یعنی عدم تحریم گسترده آن توسط مردم، و برگماری عنصری ذوب شده در ولایت بر کرسی ریاست جمهوری است. باتوجه به این واقعیات انکار ناپذیر، موضوع اساسی این است که در چنین اوضاع و احوالی چه باید کرد.

حزب ما بر این اعتقاد است که باید با بهره جویی از همه امکانات موجود انتخابات را به عرصه مبارزه جدی با رژیم ولایت فقیه تبدیل کرد. سخنرانی روزهای اخیر خامنه ای، و فراخواندن مردم به تمکین در مقابل تصمیم های شورای ارتجاعی نگهبان همه حاکی از برنامه ریزی ارتجاع برای حذف نامزدهای انتخاباتی و در صورت امکان تنها باقی گذاردن مزدوران ارتجاع در صحنه است. بر این اساس نخستین عرصه مبارزه با ارتجاع، سازمان دهی اعتراض های گسترده به تصمیم گیری های شورای نگهبان ارتجاع است که وظیفه ای جز خدمت به ارتجاع و حکومت دیکتاتوری حاکم ندارد. آنچه روشن است اینکه سران رژیم در حال سبک و سنگین کردن تبعات رد صلاحیت شماری از نامزدها، از جمله رفسنجانی، در افکار عمومی جامعه هستند. به گمان ما انتخابات را باید به عرصه مطرح کردن خواست های جدی مردمی، و به چالش کشیدن برنامه های مرتجعان حاکم از جمله: خواست حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان، تأمین عدم دخالت نیروهای سپاه و امنیتی در انتخابات، آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی، و پایان دادن به "حصص" زهرا رهنورد، میرحسین موسوی، و مهدی کروبی، تبدیل کرد. بدون طرح این شعارها، بدون افشاکری در زمینه وضعیت وخیم اقتصادی-اجتماعی که اکثریت مردم ما با آن دست به گریبان هستند و بدون معرفی عاملان اساسی این وضعیت فاجعه بار، یعنی ولی فقیه، فرماندهان سپاه و نیروهای سرکوبگر و دیگر سران ارتجاع، نمی توان مردم را به بسیج و به میدان مبارزه آورد. روند برگزاری انتخابات می تواند عرصه مهم مبارزاتی باشد که جنبش مردمی و تمامی نیروهای اصلاح طلب و آزادی خواه با صفهایی منسجم، به میدان آیند و ادامه حاکمیت کنونی و سیاست های نابخردانه و خانمان سوز ولی فقیه و شرکاء را به چالش کشند. به گمان ما این مهم ترین وظیفه ای است که بسیج در راه تحقق آن می تواند شرایط کنونی سیاسی کشور را دگرگون کند.

ادامه منافع طبقه کارگر ...

باید انجام شود. سپس در بخش دیگر مقاله می‌نویسد: "اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تامین اجتماعی و روابط کار، تغییر در قوانین تامین اجتماعی و روابط کار براساس سازوکار سه‌جانبه "دولت، کارگر و کارفرما" به منظور تعامل و انعطاف بیش‌تر در بازار کار...

نکته مهم اینکه، او در این مقاله، محتوای طرح اصلاح "قانون کار" را که از سوی دولت احمدی‌نژاد ارائه شده است رد نمی‌کند، و اصولاً مایل نیست به مضمون ماده‌های اصلاحی اشاره‌ی بکند، بلکه فقط "روش و شیوه دولت" را در طرح اصلاح "قانون کار" به باد انتقاد می‌گیرد، یعنی همان کاری که چند روز پیش از انتشار مقاله مزروعی، در مجلس شورای اسلامی صورت گرفت.

تاکید بر اشتباه‌ها و چنین موضع‌گیری‌هایی به‌سود جنبش مردمی و اصلاح‌طلبان، در مقام بخش موثر جنبش مردمی و نیرویی اثرگذار در تحول‌های کنونی، نمی‌تواند باشد. دراستان انتخابات ریاست جمهوری قرارداریم، و وظیفه فوری و عاجل همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه، از جمله مبارزان اصلاح طلب، تلاش برای بازسازی بدنه اجتماعی و استفاده از فرصت‌هایی که روند این انتخابات فراهم می‌آورد برای به چالش کشیدن ارتجاع حاکم و دولت ضدملی احمدی‌نژاد است. در این چارچوب، نقش و جایگاه "جنبش کارگری" فوق‌العاده مهم است، و تجربه ثابت می‌کند که بدون حضور مشكل طبقه کارگر، دیگر زحمتکشان و به‌طورکلی توده‌های محروم جامعه، جنبش مردمی و از جمله "اصلاح‌طلبان" توان به‌عقب راندن ارتجاع و استبداد و حرکت به سمت تحول‌های بنیادین را ندارند.

"جنبش کارگری" میهن ما، با کوله‌باری از تجربه‌های تلخ و شیرین تاریخی، هم‌اینک نیز از منادیان اتحاد و تقویت ارتباط با دیگر لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی در مبارزه با استبداد ولایی است. منافع طبقه کارگر جدای از منافع دیگر طبقه‌ها و لایه‌های مخالف استبداد نیست. از این روی، "جنبش کارگری" همراه با تلاش برای هماهنگی و یافتن فصل مشترک با لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی ناراضی و مخالف سیاست‌های رژیم و دولت احمدی‌نژاد، با شدت بخشیدن به مبارزه اعتراضی‌اش، میان مبارزه صنفی-رفاهی و مبارزه سیاسی پیوند هرچه بیشتری می‌باید بزند و از این راه برای تامین و احیای حقوق سندیکایی‌اش، به رشد کیفی، ارتقاء سطح سازمان‌یافتگی، و همبستگی افزون‌تر، یاری رساند.

ارتجاع حاکم، و تصویب "قانون مجازات اسلامی": مخالفت و کلاهی دادگستری با مجازات‌های ابتکاری قوه قضاییه!

سرانجام پس از مدتی کش و قوس و دست زدن به مانورهای فریبکارانه، شورای نگهبان قانون جدید مجازات اسلامی را تایید و تصویب کرد. برخلاف تصور رایج، در قانون جدید مجازات "سنگسار" حذف نشده است، و زیر عنوان‌های دیگری نظیر: "مجازات‌های ابتکاری"، مورد تایید قرار گرفته است. در این باره، حمیدرضا طباطبایی، نایب رئیس "کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی"، با صراحت خاطر نشان ساخته است که، سنگسار از قانون حذف نگردیده است و فقط در نحوه اجرای آن تغییرهایی صورت پذیرفته است.

با تایید شورای نگهبان، قانون مجازات اسلامی اکنون به مثابه شالوده نظام حقوقی و قضایی رژیم ولایت فقیه به‌اجرا درخواهد آمد. این قانون دارای آن‌چنان محتوای واپس‌گرایانه‌ی است که اعتراض دامنه‌دار و کلاهی متعهد و حقوق‌دانان را در سراسر کشور برانگیخته است. در واقع با تایید شورای نگهبان، نظام حقوقی کشور بیش از پیش در چنبره دیدگاه‌های پوسیده و ضدانسانی گیر می‌افتد. بنابر این قانون، ما با ساختاری روبه‌رو خواهیم بود که کم‌ترین حقوقی را برای مردم قابل نیست، و در محکمه‌های قضایی اساس را بر "مجرم‌بودن" انسان‌ها نهاده است. به‌خصوص با تصویب "مجازات‌های ابتکاری"، دست "قوه قضاییه" و محکمه‌ها- به‌ویژه دادگاه‌های انقلاب اسلامی- در صادر کردن حکم‌های "سنگسار"، "اعدام"، "قطع عضو"، و از این قبیل مجازات‌های قرون وسطایی و ضدانسانی، بازتر می‌شود. نکته جالب توجه آنکه، یکی از اصلاح‌هایی که شورای نگهبان در قانون جدید مجازات اسلامی وارد کرده است، پذیرش بی‌چون‌وچرای بحث "رجم" [سنگسار از لحاظ فقهی در قانون است، و درست برپایه این نظر اصلاحی!] شورای نگهبان، در قانون جدید مجازات اسلامی همراه با تاکید بر مجازات "رجم" [سنگسار]، نحوه اجرای آن به "تدبیر و ابتکارات" [!] قوه قضاییه موکول شده است. به عبارت دیگر، تمامی محکمه‌های جمهوری اسلامی مجازند تا بنا به "ابتکارات" خود، نحوه سنگسار را تعیین کنند. بی‌جهت نبود که محمد علی اسفندی، عضو "کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس"، روز شنبه ۷ اردیبهشت ماه، طی مصاحبه با خبرگزاری "ایرنا"، یادآوری کرده بود: "قانون مجازات اسلامی در پنج باب کلیات، حدود-جمع "جد"، کیفر دادن به گناه شخص با تنبیه بدنی و به‌مقدار قطعی، قصاص [کیفری همسنگ جرم: کشنده را بکشند، کورکننده را کور کنند...، دیات جمع "ذیه" پول یا مالی که مجرم (یا خانواده‌اش) باید به کسی که آسیب دیده (یا خانواده‌اش) بپردازد] و مجازات‌های تعزیری [تعزیر: "تنبیه خطاکار در مورد جرمی که مجازات آن در شرع مشخص نشده است، به رای مقام مذهبی یا حاکم شرع] و بازدارنده تنظیم شده که در باب کلیات، اصول کلی قابل اعمال در ابواب دیگر شامل تعاریف و قلمرو اعمال مجازات... تقسیم‌بندی جرایم و مجازات‌ها براساس مبانی اسلامی... است." وی با صراحت ضمن تاکید بر مجازات‌های ابتکاری گفته بود: "رجم حکم حدی است از حد الهی و کسی نمی‌تواند آن را حذف کند."

علاوه بر این، در اعتراض به قانون جدید مجازات اسلامی- به‌ویژه ماده مربوط به مجازات‌های "ابتکاری"- رئیس "اتحادیه کانون‌های و کلاهی کشور" [اسکودا]، مخالفت و کلاهی شجاع و متعهد دادگستری با این قانون را طی مصاحبه‌ی اعلام کرد. روزنامه اعتماد، ۹ اردیبهشت‌ماه، گزارش داد: "رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های و کلاهی کشور (اسکودا) با اعتراض به برخی مجازات‌های صورت‌گرفته از سوی نیروی نظامی، اقداماتی مانند پوشاندن لباس زنانه به متهمان و گرداندن آنها در خیابان را "ابتکارات غیرقانونی" نامید و از همه خواست قانون را رعایت کنند. این درحالی‌ست که احمدرضا ابدان جانشین فرمانده کل پلیس ایران در جدیدترین اظهارات خود اعلام کرد... (مجازات‌های ابتکاری) حکم قضایی دارند." در بخش دیگری از این گزارش خاطر نشان می‌شود: "رئیس کانون‌های و کلاهی سراسر کشور در گفتگو با اعتماد تاکید کرد... می‌گویند و کالا از چاقوکشان و مال مردم‌خورها و مختلس‌ها دفاع می‌کنند ما می‌گوییم هیچ و کیلی از عمل مجرمانه دفاع نمی‌کند. ما می‌گوییم ببینید اصل جرم کجاست؟ ریشه را در یابیم، نباید با معلول اینطور برخورد کرد... با گرداندن یک آدم شرور در خیابان و آفتابه به گردن او آویزان کردن، نمی‌توان جامعه را اصلاح کرد. قانون، وجدان... اخلاق و ایمان می‌گوید وقتی شما با همه توان، شخصیت یک انسان را خرد کردید، او دیگر نمی‌تواند به راه راست برگردد. وقتی متهمی را انگشت‌نما کنیم و چهره‌اش را به همه نشان می‌دهیم، او دیگر اصلاح نمی‌شود، جامعه هم اصلاح نخواهد شد." یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که، بنابر قانون جدید مجازات اسلامی که از تصویب شورای نگهبان نیز گذشته و قرار است از خردادماه امسال به‌اجرا درآید، اصل برائت [اصل مجرم نبودن انسان، مگر خلافتش را ثابت کنند] کاملاً نادیده گرفته می‌شود. در این قانون اصل بر برائت نیست و دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب اسلامی از اختیار گسترده برای صادر کردن حکم اعدام، شلاق، و قطع عضو، برخوردارند. به این ترتیب مهم‌ترین اصل حقوقی یعنی اصل برائت پایمال گردیده است، و هر قاضی و دادگاهی در جمهوری اسلامی، با اختیارات وسیعی که بنابر ماده‌های قانون جدید مجازات اسلامی از آن‌ها برخوردار است، پیشاپیش هر متهم یا فرد بازداشت‌شده‌ای را مجرم و مستحق مجازات می‌داند. مدتی پیش "کانون مدافعان حقوق بشر" در این زمینه نوشته بود: "مهمترین پشتیبان حقوق فردی در محاکمات جزایی، فرض برائت است... در قانون مجازات اسلامی تغییرات قانونگذاری محدود به حوزه ماهوی نشده و در خصوص نحوه رسیدگی به جرایم محاربه و افساد فی‌الارض نیز قائل به تفکیک شده و در اقدامی شوک‌آور، رعایت اصول برائت در خصوص متهمان... مخدوش است و به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد علی‌رغم شک و تردید بر وقوع جرم یا انتساب جرم به متهم صرفاً با وجود قرائن و امارات وی را به اعدام و دیگر مجازات‌های بدنی و سالب‌السلب کننده [آزادی محکوم کند]."

اینک با مصوبه شورای نگهبان، یکی از واپس‌مانده‌ترین قانون‌های حقوقی‌ای که شالوده نظام قضایی کشور خوانده می‌شود، به جامعه تحمیل می‌گردد. همزمانی تصویب "قانون جدید مجازات اسلامی" با "لایحه جامع وکالت رسمی"، که در آن استقلال و کلا محو و نابود می‌گردد، امری اتفاقی نیست و نشانه تلاش هدفمند ارتجاع حاکم برای تبدیل بیش از پیش قوه قضاییه به ارگانی سرکوبگر در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی، و نقض کننده خشن حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی مردم میهن ماست.



تامین اجتماعی از طریق پیش‌بینی و تهیه سبد معیشتی و سبد کالا، از کارگران و مشمولان قانون کار حمایت می‌کند. همه آنچه در بالا بدان‌ها اشاره شد، گویای این واقعیت است که جنبش

کارگری و خواست‌های آن را - برخلاف سال‌های گذشته - به راحتی نمی‌توانند نادیده بگیرند، و این رویداد به دلیل رشد نسبی جنبش کارگری و بالا رفتن سطح آگاهی طبقاتی این جنبش است. نظری اجمالی به موضع‌گیری‌ها و اعلامیه‌های صادر شده از سوی سندیکاها و تشکل‌های مستقل به مناسبت روز جهانی کارگر در سال کنونی، و موردی که در این موضع‌گیری‌ها و اعلامیه‌ها بدان‌ها اشاره و بر آن‌ها تأکید شده است،

تأیید کننده این واقعیت است. اما نکته پراهمیت، ارتقاء سطح سازمان‌دهی، همبستگی، و استواری پیوند جنبش کارگری با مجموعه جنبش دموکراتیک و آزادی‌خواهانه در کشور است. در این خصوص، ارایه راهکارهایی مشخص به منظور قوت بخشیدن به جایگاه جنبش مردمی که بر واقعیت‌های موجود مبتنی باشد، ضروری است. به‌دیگر سخن، از کدام راه و با ارایه کدام برنامه، شعار، و سیاست تاکتیکی، پیوند میان "جنبش کارگری" با مبارزه برضد استبداد و ارتجاع را می‌توان قوت بخشید و استوار کرد؟ در راستای پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، لازم است، هر چند فشرده، به مانع‌هایی اشاره کرد که نه تنها به تقویت پیوند گردان‌های اجتماعی و جلب و جذب "جنبش کارگری" به پیکار سراسری در مرحله کنونی کمک نمی‌کند، بلکه در اساس، درک و دیدگاه منجمد و محدودی است که به ژرفای اهمیت مبارزه مشترک و پیدا کردن فصل مشترک بین خواست‌های طبقه کارگر و دیگر لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی پی‌نبرده است، و یا توان درک و واکاوی آن را ندارد. یکی از اشتباه‌های جدی و فاحش در دوران پس از پیروزی دوم خرداد، به‌فراوانی سپردن حقوق و منافع زحمتکشان کشور بود. این "بی‌توجهی" تا آنجا پیش رفت که "مجلس ششم مرتکب اقدامی گردید که کارگران و زحمتکشان آن را فراموش نکرده‌اند. خروج کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول "قانون کار"، به حقوق و امنیت شغلی طیف گسترده‌ای از زحمتکشان، به‌خصوص کارگران صنوف که بخش عمده ترکیب طبقه کارگر ایران را تشکیل می‌دهند، لطمه‌ی جبران‌ناپذیر وارد آورد! علاوه بر این، ادامه سیاست "تعدیل اقتصادی"، در حکم اصلاح ساختار اقتصادی از سوی "دولت اصلاحات"، به شکاف هرچه بیشتر میان جنبش کارگری و قشرهای فرودست جامعه با "اصلاح‌طلبان" انجامید. اینک در اوضاع بغرنج و حساس کنونی، تأیید گذاردن بر این گونه سیاست‌ها، به اتحاد عمل گسترده طبقاتی اجتماعی در مبارزه با ارتجاع حاکم و دولت احمدی‌نژاد هیچ کمکی نمی‌کند. در این زمینه و برای نمونه، به مطلبی به‌قلم علی مزروعی، در سایت جرس، ۹ اردیبهشت‌ماه، می‌توان اشاره کرد. در این مقاله، از اصلاح "قانون کار" و "قانون تامین اجتماعی" در قالب برنامه چهارم توسعه دفاع شده است، و زیر پوشش "سه‌جانبه‌گرایی" و "حقوق بنیادین کار"، همراه با کلی‌گویی‌هایی مبهم و بدون پشتوانه، در حقیقت از سیاست اجتماعی - اقتصادی حاکمیت به‌خصوص برنامه اصلاح ساختار اقتصادی که درون‌مایه و محتوای آن بر نولیبرالیسم دیکته شده از سوی "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی" استوار است، دفاع شده است. مزروعی، در دفاع از برنامه اصلاح "قانون کار" در قالب برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی، می‌نویسد: "بدون آنکه بخواهم به مباحث تاریخی و اجتماعی مربوط به این موضوع [یعنی "قانون کار"] پرداخته و روند تحولات آنرا بازگو کنم برپایه تجربه اجرای این قانون در ایران و نگرش جدیدی که نسبت به اداره اقتصاد ایران به تدریج در سال‌های پیش از انقلاب حاصل شده بود دولت خاتمی و مجلس ششم در انطباق با شرایط ملی و جهانی در یک جمع‌بندی و در قالب برنامه چهارم توسعه به این نتیجه رسیدند که "اصلاح قانون کار" طی سال‌های (۱۳۸۴-۱۳۸۸) اجرای این برنامه

ادامه در صفحه ۶

منافع طبقه کارگر، احیای حقوق سندیکایی، و ضرورت پیوند مبارزه صنفی با مبارزه سیاسی

پس از پایان مهلت ثبت نام نامزدهای یازدهمین دوره انتخابات، با نزدیک تر شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، و همزمان با شکل‌گیری هدف‌بندی‌های جدید و سیال در بین جناح‌های مختلف حکومتی، و نیز ارایه ارزیابی‌ها و بررسی‌ها از سوی حزب‌ها و نیروهای مترقی و آزادی‌خواه درباره تحول‌های صحنه سیاسی کشور، نقش جنبش کارگری و چگونگی تقویت ارتباط آن با دیگر گردان‌های اجتماعی - به‌هدف تجهیز کردن هرچه بیشتر جنبش مردمی در رویارویی با ارتجاع حاکم - به‌شکلی برجسته در بین مباحث‌های طرح شده خودنمایی می‌کند.

جنبش کارگری میهن‌ما، طی ماه‌های گذشته، با رشته اقدام‌هایی مانند مخالفت گسترده - و کم‌وبیش منظم‌تر از قبل - با "حداقل دستمزدها" و "قراردادهای موقت"، پافشاری برخواست "احیای حقوق سندیکایی"، اعتراض‌های دامنه‌دار اما هنوز پراکنده به برنامه "خصوصی‌سازی" و آزادسازی اقتصادی ("هدفمندی بارانه‌ها")، و مبارزه قاطع با اصلاح‌های وارد شده در "قانون کار" و "تامین اجتماعی"، و نیز عزم و اراده آشکار به رویارویی با سیاست و جو پلیسی حاکم در محیط‌های کار و مجموعه جامعه - که در شکل‌هایی بسیار متنوع بروز می‌کند - این جنبش با منطق طبقاتی خاص خود در صحنه سیاسی امروز حضور فزاینده‌اش را نشان داده است و نشان می‌دهد. در قیاس با گذشته، و با وجود کاستی‌ها و ضعف‌ها، تمامی علامت‌ها و برآوردها از رشد مبارزه و اعتماد به نفس طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در دوعرصه بسیار مهم صنفی - رفاهی و سیاسی، حکایت می‌کند.

اسمال، در آستانه روز جهانی کارگر، زیر فشار فزاینده نارضایتی و اعتراض‌های کارگری، مجلس لایحه به‌اصطلاح اصلاح "قانون کار" را به دولت بازگردانید. این اقدام، آن هم درست در گرم‌گرم نزاع‌های جناحی و بی‌ثباتی سیاسی رژیم، این واقعیت را آشکار می‌سازد که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در صورت روی آوردن به مبارزه سازمان‌یافته و متشکل، حتی در اوضاع بس نامساعد سیاسی، فضای اختناق و سرکوب، و کاربرد فشار از سوی ارگان‌های امنیتی، به مبارزه برای تامین منافع خود و عقب راندن ارتجاع حاکم می‌تواند ادامه دهد. علاوه بر این، در پی بالا گرفتن نارضایتی از میزان حداقل دستمزدها و همزمان با آن فعالیت جنبش سندیکایی موجود به‌خصوص سندیکاها و تشکل‌های مستقل در این ارتباط، و تأکید بر اینکه، از همه روش‌های اعتراضی از جمله شکایت به دادگاه و اعتصاب بهره خواهند برد، دولت ضدملی احمدی‌نژاد و ارتجاع حاکم دست به مانورهای فریب‌کارانه مختلفی زده‌اند. از جمله این مانورهای فریب‌کارانه، به دستور ویژه رییس‌جمهور به وزارت کار برای برگزاری نشست فوق‌العاده شورای عالی کار می‌توان اشاره کرد. خبرگزاری مهر، ۹ اردیبهشت‌ماه، گزارش داد: "با درخواست کارگران، دستور رییس‌جمهور و تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه، به‌زودی نشست فوق‌العاده عالی کار به‌منظور افزایش حق مسکن و حق بن نقدی سال جاری مشمولان قانون کار برگزار می‌شود، با این حال گمانه‌ها از افزایش ۵ برابری حق مسکن و رشد ۱۵ هزار تومانی بن ماهیانه حکایت دارد." این نکته ظریف اما پراهمیت را نیز باید افزود که، بنابر "قانون"، افزایش حق مسکن از اختیارات شورای عالی کار نیست! به هر روی، نفس‌وآدارشدن ارتجاع حاکم و دولت ضدملی احمدی‌نژاد به انجام مانور در خصوص مطالبات کارگری، نشانه بارز وجود نیرویی باتوان و امکان‌های معین در صحنه سیاسی و تحول‌های اجتماعی است، که اتفاقاً واپس‌گرایان از به فعل درآمدن این نیرو و امکان‌ها هراس دارند. همچنین در روزهای اخیر، با توجه به روندهای حساس سیاسی کشور، در آستانه انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری، برای مهار اعتراض‌های کارگری و جلوگیری از تبدیل شدن این اعتراض‌ها به امری برای بازسازی بدنه اجتماعی "جنبش مردمی"، تبلیغات و مانورهای فریبکارانه دولت، مجلس، و جناح‌های ارتجاع حاکم را شاهدیم. به‌فصلی اندک پس از دستور ویژه احمدی‌نژاد برای برگزاری نشست فوق‌العاده شورای عالی کار، اعلام شد: "میثاق‌نامه حمایت ملی از کار و تامین اجتماعی تدوین شد." در پی آن، و با حمایت دولت، طرح ارایه سبد ویژه به کارگران در صدر خبرها قرار گرفت. خبرگزاری مهر، ۱۱ اردیبهشت‌ماه، نوشت: "رییس هیات مدیره کارفرمایان خدمتی کشور اظهارداشت [که]... سازمان

به مناسبت ۶۵مین سالگرد "روز فاجعه" فلسطین موسوم به "یوم النکبة" و مسئولیت جامعه جهانی

۲۵ اردیبهشت ماه امسال [۱۵ ماه مه ۲۰۱۳]، ۶۵ سال از روز آغازین "فاجعه" فلسطین گذشت بی آنکه چشم‌اندازی روشن برای پایان یافتن آن در آینده‌ی نزدیک پیش رو باشد. برعکس، شاهد آنیم که عملکرد اسرائیل اوضاع را هرچه دشوارتر کرده و می‌کند، و راه‌حلی هم برای آن دیده نمی‌شود.

به اصطلاح "فرآیند سیاسی" دو سه سال پیش نیز از هم پاشیده شد. بیش از ۱۹ سال مذاکره از زمان "معاهده اسلو" (در اواخر پاییز ۱۳۷۲) تا کنون، هیچ نتیجه ملموسی به بار نیآورده است. برعکس، در این مدت خطر برخورد‌های گسترده‌تر و جنگ‌های تازه‌ای هم به وجود آمد. طی این سال‌ها اسرائیل از مذاکره‌هایی که انجام می‌شد صرفاً بهره‌برداری تبلیغاتی می‌کرد و از آن‌ها همچون فرصت‌هایی برای تغییر اوضاع از طریق ساختن هزاران واحد مسکونی در شهرک‌های یهودی‌نشین در داخل خاک سرزمین فلسطین استفاده می‌کرد، یعنی در جایی که قرار است کشور فلسطین در آن استقرار یابد. این اقدام‌های اسرائیل در واقع امکان و احتمال عملی شدن راه‌حل "دو دولت" را در عمل به صفر می‌رساند. به رغم تصمیم "دادگاه بین‌المللی" مبنی بر اینکه دیوار "جداسازی" غیرقانونی است و باید برداشته شود، اسرائیل همچنان به ساختمان این دیوار ادامه می‌دهد. بنیامین نتانیاهو، در سفر اخیرش به چین، خیال همه را "راحت" کرد: اسرائیل به ساختمان دیوار برای "تأمین امنیت" خودش ادامه خواهد داد. او این واقعیت را نادیده می‌گیرد که امنیت و آینده را فقط از راه صلح و روابط خوب با کشورهای همسایه می‌توان تأمین کرد نه با زور، بنای دیوار، و تجاوز، به‌ویژه پس از تجربه‌ی که اخیراً در برخورد‌های غزه و لبنان شاهد آن بودیم. از سوی دیگر، در حال حاضر ۵ هزار فلسطینی در زندان‌های اسرائیل زندانی‌اند، که برخی از آنان از رهبران سیاسی و نمایندگان مردم [فلسطین] در مجلس‌اند. این در حالی است که اسرائیل همچنان به دستگیری و بازداشت روزانه فلسطینی‌ها ادامه می‌دهد. ماه‌ها اعتصاب غذا، مرگ شماری از زندانیان، و بیمار شدن ده‌ها تن از آنان هم نتوانسته است سیاست اسرائیل را نسبت به زندانیان تغییر دهد. راه بندها و ایستگاه‌های بازرسی در کرانه غربی و محاصره غزه همچنان ادامه دارد و زندگی روزمره فلسطینی‌ها را بسیار دشوار کرده است. اوضاع در اورشلیم از همه‌جا دشوارتر است. فلسطینی‌ها نمی‌توانند وارد شهر بشوند، و اسرائیل به حفاری و خاک‌برداری در زیر مسجدالاقصی ادامه می‌دهد، و این در حالی است که شهرک‌نشینان افراطی به بهانه محافظت از سربازان اسرائیلی مرتب به این مسجد حمله می‌کنند. به هر بهانه‌ی فلسطینی‌ها را تهدید می‌کنند که از اورشلیم به منطقه‌های دیگر منتقل‌شان خواهند کرد. رفتارهای تبعیض‌آمیز نسبت به فلسطینی‌ها به‌طور کلی، و به‌ویژه نسبت به فلسطینی‌های اورشلیم، بارها در گزارش‌های هیئت‌های دیپلماتیک و سیاسی اتحادیه اروپا در اورشلیم یادآوری شده است. اما اتحادیه اروپا برای رویارویی با این وضعیت اقدام کافی و چشمگیری انجام نمی‌دهد.

ساکتان اسرائیلی شهرک‌های ساخته شده در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به روستاها و کشتزارهای فلسطینی‌ها حمله می‌کنند. درختان زیتون یکی از هدف‌های معمول این اقدام‌های خشونت‌آمیز شهرک‌نشینان است. از دیگر مورد‌های حمله و خشونت، به سوزاندن و تخریب خانه‌ها و خودروها، خراب کردن جاده‌ها، و حمله به مکان‌های مقدس، به‌ویژه حمله به مسجدالاقصی، می‌توان اشاره کرد. در چند روز گذشته و زیر پوشش حفاظتی سربازان اسرائیلی، شهرک‌نشینان مسجد [مسجدالاقصی] را اشغال کردند. اسرائیل اکنون در تدارک تصویب و اجرای قانون تازه‌ای برای تقسیم این مکان مقدس است که برای فلسطینی‌ها و مسلمانان مکان بسیار پراهمیتی است.

با توجه به اوضاع کلی منطقه خاورمیانه، و آنچه به نام "بهار عربی" شناخته می‌شود، و در پیامد مداخله‌های منطقه‌ای و خارجی، این منطقه اینک به آشفتگی و ناآرامی، ضعف، برخورد‌ها، و مناقشه‌های داخلی دچار شده است، و در معرض تهدید مداخله نظامی قرار دارد. اشغال عراق پس از سال‌ها به کارگیری تحریم و بمباران کردن آن کشور، ویران کردن لیبی و تغییر قهری رژیم‌ها، و وضعیت بی‌ثبات در مصر، که همه بدان آگاهند، بخشی از نقشه ایالات متحد آمریکا برای ایجاد "خاورمیانه جدید" بود. کشورهای امپریالیستی - به سرکردگی آمریکا و اتحادیه اروپا - برخی از کشورهای منطقه، همراه با ترکیه و دولت‌های حاشیه خلیج فارس، تلاش می‌کنند از مناقشه موجود در سوریه برای مداخله نظامی در منطقه بهره‌گیری کنند. از پول کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، و از مرزهای ترکیه با سوریه، برای وارد کردن سلاح و عنصرهای افراطی به آن منطقه به

منظور ویران کردن کشور و تغییر رژیم به زور، استفاده می‌کنند. حمله اخیر اسرائیل به سوریه هم گامی در راستای راه انداختن برخوردی گسترده بود. ایران نیز به بهانه برنامه هسته‌ای مورد تهدید قرار دارد. اسرائیل در فشار آوردن به آمریکا و "ناتو" برای حمله به جمهوری اسلامی نقشی کلیدی دارد. این در حالی است که اسرائیل تنها کشور در این منطقه است که دارای سلاح‌های هسته‌ای است، و کشورهای سرمایه‌داری غرب و نهادهای بین‌المللی هم با آن [در این زمینه] به هیچ وجه مسئله‌ی ندارند. به کارگیری تحریم و تهدید به حمله نظامی، همواره سیاست اصلی [امپریالیست‌ها] در برابر عراق و ایران بوده است، و اینک نیز سوریه را به اتهام [کاربرد] سلاح‌های شیمیایی، در معرض همین تحریم‌ها و تهدیدها قرار می‌دهند.

ایالات متحد آمریکا و متحدانش، موفق شده‌اند توجه افکار عمومی جهان را از مسئله فلسطین منحرف کنند، و آن را در چشم جامعه بین‌المللی به مسئله‌ی درجه دوم تبدیل کنند. همه این دشواری‌ها، و رفتار اسرائیل در مقام دولتی که خود را ورای همه قوانین و میثاق‌های بین‌المللی می‌داند و از حمایت و پشتیبانی کامل دولت آمریکا هم برخوردار است، و علم به اینکه جامعه بین‌المللی از متوقف کردن این شیوه عمل و رفتار عاجز است، موجب شده است تا فلسطینی‌ها امیدشان را به دستیابی به راه‌حلی عادلانه از دست بدهند. اگرچه پذیرفتن فلسطین در سازمان ملل متحد در مقام "غیرعضو" گامی مهم به جلو است، اما برای حل مسئله فلسطین کافی نیست. به اعتقاد ما، جامعه بین‌المللی باید به مسئولیت خود در پایان دادن به فاجعه فلسطین عمل کند، به‌ویژه آن کشورهایی که خود در به وجود آوردن این فاجعه شرکت داشته‌اند.

برپایی دولت مستقل فلسطین در درون مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۴۷ [پیش از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل]، با پایتختی اورشلیم شرقی، حل مسئله پناهندگان بر اساس قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل متحد و قوانین بین‌المللی، آزاد کردن زندانیان از زندان‌های اسرائیل، پایان دادن به محاصره غزه، و تخلیه همه شهرک‌ها در سرزمین‌های فلسطینی، برپایه پیمان‌های بین‌المللی، تنها راه ممکن برای پایان دادن به این فصل سیاه در تاریخ جهان است. در غیر این صورت، راه‌حل "دو دولت" امکان‌پذیر نخواهد بود، و مناقشه و برخورد، با وجود همه پیامدهای فاجعه‌بار آن، ادامه خواهد یافت.

عقل طفز، شعبه روابط بین‌المللی - حزب مردم فلسطین

ادامه صنایع کلیدی عرصه تاخت و تاز ...

حال گسترش فعالیت‌های منفعت طلبانه خود هستند، گویی که با رقم خوردن هر نتیجه‌ای در انتخابات، پیروز واقعی این گروه می‌باشند. "این سایت در ادامه این مقاله، می‌آورد: "ظاهراً آرایش سیاسی در ایران قبل از هماهنگی با هر موضوعی، با رانتخواران و مفسدان اقتصادی هماهنگ است و آلودگی اقتصادی ظاهراً تنها مسئله فراجنحی میان اکثر فعالان سیاسی است و کمتر رجل سیاسی را می‌توان یافت که به نوعی وامدار رانتخواران و دانه درشت‌ها نباشد. از این رو با قاطعیت می‌توان گفت رئیس جمهور واقعی کشور، امثال بابک زنجانی مافیای نفتی و یا علی‌نقی خاموشی پدر خوانده پتروشیمی هستند که در هر صورت با اتکا به ثروت بی حساب ناشی از رانتخواری، قدرت را در آینده کشور در دست خواهند داشت و هیچ نهاد قضایی و نظارتی توان و جرات درگیر شدن با این دانه درشت‌ها و مافیای قدرتمند را ندارد." این پدیده خطرناک منحصر به صنایع پتروشیمی نیست، بلکه دیگر عرصه‌های اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرد. از جمله این عرصه‌ها به منابع مالی بانک‌ها می‌توان اشاره کرد. اما آن چیزی که این نگرانی را در این ارتباط دو چندان می‌کند، رسوخ این انگل‌های اقتصادی به حوزه‌ی است که از نقطه نظر منافع ملی موقعیتی کلیدی و استراتژیک در حیات و معاش میلیون‌ها نفر از هموطنانمان دارد، و تاخت و تاز در این عرصه پیامدهایی جبران‌ناپذیر برای زندگی زحمتکشان میهن خواهد داشت. تنها راه جلوگیری از ادامه این روند نگران‌کننده، طرد رژیم ولایت فقیه و برپایی دولتی برآمده از اراده مردم است.

بیانیه نهایی همایش شورای جهانی صلح: "ملت‌ها صلح می‌خواهند"

همایش بین‌المللی "ملت‌ها صلح می‌خواهند"، نیروهای ضدامپریالیستی، نیروهای صلح‌دوست، حقوق‌دانان، روشنفکران، و روزنامه‌نگاران درستکار را فرامی‌خواند پا پیش بگذارند و طرح بین‌المللی‌ای غیردولتی به منظور رسیدگی به جنایت‌های جنگی [در سوریه] را سامان دهند تا در آن جنایت‌های صورت گرفته در حق مردم سوریه تحقیق و بررسی شوند. به‌علاوه، این همایش تصمیم گرفته است تا در برابر تبلیغات مسموم امپریالیستی و ارتجاعی - و در درجه نخست در ارتباط با سوریه - کارزار شبکه تبلیغات و ارتباطات خود را به راه اندازد.

این همایش بین‌المللی از مقاومت و پیکار مردم ترکیه در برابر جنگ‌طلبان و بر ضد مناقشه‌های فرقه‌ای مذهبی استقبال می‌کند، و همستگی خود را با این نیروهای هوادار صلح اعلام می‌دارد. این همایش بر اهمیت توقف درگیری‌های مسلحانه در ارتباط با "مسئله کردها"، که دهه‌هاست زبان‌های جبران‌ناپذیری را موجب شده‌اند، تأکید می‌ورزد. از سوی دیگر، این همایش چارچوب پیشنهاد شده دولت ترکیه به‌منظور ارائه راه‌حل "مسئله کردها" را در خدمت هدف "مذهبی‌سازی" کل جامعه و منطقه می‌داند، که مستلزم تغییرهایی در مرزهای ملی است، و ناگزیر به برخوردی تازه در خاورمیانه خواهد انجامید.

همایش ما بر این خواست تأکید دارد که، خاورمیانه باید از قدرت‌های امپریالیستی و سلاح‌های هسته‌ای خالی و پاکسازی شود. ما بار دیگر بر موضع "شورای جهانی صلح" که مسئله فلسطین باید بنابر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در این ارتباط، و برپایی دولت مستقل فلسطین در درون مرزهای ۱۹۴۷ با پایتختی اورشلیم شرقی حل شود، و اینکه اسرائیل باید به موافقتنامه‌های بین‌المللی احترام بگذارد، دست از محاصره نوار غزه بردارد، و به اشغال بلندی‌های جولان در خاک سوریه و کشتزارهای لبنانی "شعبا" پایان دهد، تأکید می‌کنیم.

همایش "ملت‌ها صلح می‌خواهند"، خاورمیانه‌یی عاری از سلاح‌های هسته‌ای، از جمله سلاح‌های هسته‌ای شناسایی شده در این منطقه، برای مثال: در اسرائیل، و ناشناخته، برای مثال: در تاسیسات "ناتو" در ترکیه، را خواستار است.

همراه با آگاه بودن از خطرهای استفاده از انرژی هسته ای، که در حادثه‌های فاجعه‌بار اخیر آن‌ها را شاهد بوده ایم، ما اعلام می‌کنیم که، هر کشوری حق دارد شیوه تولید انرژی خود را آزادانه انتخاب کند، و طرح‌های انرژی هسته‌ای نمی‌تواند دلیلی برای ابراد اتهام و تهدید برضد یک کشور باشد. بنابراین، ما با مردم ایران که با تهدیدهای امپریالیستی مبارزه می‌کنند همبستگی مان را اعلام می‌کنیم. از سوی دیگر، ما با زنان و مردان زحمتکش ایران در مبارزه‌شان در راه آزادی و دموکراسی، و حقوق اجتماعی و اقتصادی همبستگی مان را اعلام می‌داریم. به‌علاوه، ما تحریم‌های به‌کار گرفته شده از سوی ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا برضد ایران را محکوم می‌کنیم. این تهدیدها به بهانه برنامه هسته‌ای ایران اما به‌واقع با هدف مجازات توده‌های وسیع مردم صورت می‌گیرد. ما لغو همه تحریم‌ها را خواستاریم.

همایش ما به تلاش‌هایی که برای پیوستن قبرس به "ناتو" صورت می‌گیرد اعتراض دارد. از بحران اقتصادی کنونی، در حکم بهانه‌یی دیگر برای به‌نتیجه رسیدن این تلاش‌ها، استفاده می‌شود. ما از راه‌حل فدراسیون "دو منطقه‌ای دو ملیتی"، با رعایت برابری سیاسی بنابر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در مورد قبرس، موافقتنامه‌های [امضاء شده] میان رهبران بلندپایه دو ملت در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹، اصول حقوق بین‌المللی، حمایت می‌کنیم. همایش ما که در روزهای ۵ تا ۹ اردیبهشت‌ماه در استانبول و آنکارا تشکیل شد، بار دیگر همبستگی خود را با همه نیروهای هوادار صلح که با امپریالیسم و جنگ پیکار می‌کنند، و با همه مردم تهنی‌دست و محرومی که برضد استثمار و جنگ‌های امپریالیستی می‌رزمنند، اعلام می‌کند.

شورای جهانی صلح - انجمن صلح ترکیه

۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲ [۷ مه ۲۰۱۳]

همایش "ملت‌ها صلح می‌خواهند"، که از سوی "شورای جهانی صلح" و "انجمن صلح ترکیه" سازمان‌دهی شده بود، ۵ تا ۹ اردیبهشت‌ماه ۹۲، در شهرهای استانبول و انتاکیه، و با شرکت کمیته‌های صلح و سازمان‌های بین‌المللی، روزنامه‌نگاران، و هنرمندان صلح‌دوست - که از بیش از ۲۰ کشور جهان به همایش آمده بودند - با موفقیت برگزار شد.

برنامه همایش دربردارنده نشست‌های تبادل نظر در استانبول، دیدار با نیروهای صلح‌دوست ترکیه از جمله سازمان‌های توده‌ای و اتحادیه‌های صنفی، و همچنین کنسرتی در ارج‌گذاری به صلح در انتاکیه، بود که به بزرگ‌ترین نمایش ضدجنگ در منطقه و در عین حال اعلام همبستگی با مردم سوریه، تبدیل شد.

این همایش در زمانی برگزار شد که تضادها میان امپریالیست‌ها از یک سو و تجاوزگری امپریالیسم از سوی دیگر - به منظور کنترل منابع و خطوط لوله انرژی، و نیز تأمین و تضمین نفوذ گسترده‌تر در منطقه خاورمیانه - فزون‌تر شده‌اند و شدت یافته‌اند. نظر "همایش" بر این بود که، دلیل اصلی همه مناقشه‌ها، تنش‌ها، و جنگ‌ها در منطقه، اقدام‌های امپریالیسم به‌منظور تأمین سرکردگی‌اش بر جهان و به‌ویژه بر خاورمیانه است. به رغم تضادها و رقابت‌های موجود میان امپریالیست‌ها، آن‌ها در تجاوز به "حقوق ملت‌ها" و "صلح"، دست در دست یکدیگر دارند. امپریالیسم آمریکا، اتحادیه اروپا، و "ناتو"، همراه با رژیم‌های واپس‌گرای هوادار امپریالیسم در منطقه، در زمینه جنایت‌هایی که در حق ملت‌های منطقه صورت می‌گیرد، مسئولیت مشترک دارند. همایش ما با همه نیروهای مردمی، با جنبش‌های صلح، و با همه ملت‌های محروم و سرکوب شده‌یی که در برابر تحریک‌ها، تهدیدها، و جنگ‌افروزی‌های امپریالیست‌ها و هم‌دستان‌شان در جهان، و به‌ویژه در منطقه، مقاومت می‌کنند اعلام همبستگی می‌کند و به آن‌ها درود می‌فرستد. این واقعیت که "ناتو" اخیراً موشک‌های "پاتریوت" در ترکیه نصب کرده است و تاسیسات راداری تازه‌ای را در این کشور برپا داشته است، نشان از برداشتن‌های گام‌هایی خطرناک بر ضد صلح در منطقه و در جهان دارد. در رویارویی با تقویت "ناتو" در منطقه، ما از همه ملت‌ها و کشورها می‌خواهیم که صدای خود را برضد آن بلند کنند و خواهان برچیدن بساط "ناتو" از منطقه شوند. در خاورمیانه، امپریالیسم برخوردارها و کشمکش‌های فرقه‌ای بین مسلمانان را برمی‌انگیزد و از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند، و سپس در پیش‌زمینه چنین وضعیتی، و زیر پوشش "مداخله بشردوستانه"، به حمایت از هر نیروی جنگ‌طلبی برمی‌خیزد و از سازمان‌های بنیادگرای مذهبی تحریک‌کننده این برخوردها و کشمکش‌ها، پشتیبانی می‌کند.

ما تعیین رهبری و انتخاب مسیر سیاسی کشور بدون هرگونه دخالت خارجی را حق مطلق "مردم سوریه" می‌دانیم، یعنی مردمی که از تجاوزهای توطئه‌گرانه، ویرانگرانه، و اقدام‌های تروریستی‌ای که از سوی امپریالیسم و رژیم‌های واپس‌گرای منطقه پشتیبانی می‌شوند، در رنج و مصیبت به‌سرمی‌برند. مردم سوریه فقط در شرایطی می‌توانند از این حق خود استفاده کنند که بتوانند مداخله‌های سیاسی و نظامی پشتیبانی شده از خارج را پایان دهند. این همایش همبستگی کامل و بدون قید و شرط خود را با مردم سوریه و خواست‌های این ملت برای دگرگونی‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی اعلام می‌کند و از طرف‌های درگیر می‌خواهد تا مناقشه را از راه انجام مذاکره حل کنند. همایش، حق سوریه را در دفاع از خود (در رویارویی با مداخله‌های خارجی) به رسمیت می‌شناسد. همایش ما اعلام می‌کند: علاوه بر دیگر رژیم‌های منطقه، به‌ویژه قطر، عربستان سعودی، و اسرائیل، دولت کنونی ترکیه نیز در هم‌دستی با نیروهای امپریالیستی‌ای مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، و سازمان‌هایی مانند "ناتو"، در جنایت برضد بشریت در سوریه شرکت دارد. این همایش به دولت ترکیه هشدار می‌دهد که، به این سیاست‌های غالب بر آن دولت پایان دهد.

ادامه پیام های احزاب کارگری و کمونیستی...

رفقای عزیز

ما مطمئن هستیم که این کنگره فرصت مهمی برای بحث درباره مسئله‌های کلیدی جنبش برای تمامی مبارزان حزب توده ایران خواهد بود.

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست‌های ایتالیا

پیام حزب کمونیست بوهوم و موراوی
رفقای گرامی،

حزب "کمونیست بوهوم و موراوی"، صمیمانه‌ترین دروهای خود را تقدیم کنگره ششم شما می‌کند. پیام شادباش و درود ما را بپذیرید که حاوی عمیق‌ترین احترام و تحسین ما نسبت به حزب شما و فعالیت شما در شرایطی بس دشوار و باورنکردنی است. آن هم در چنان وضعیتی داخلی و بین‌المللی‌ای که کشور شما در آن قرار دارد. حتی تصور مقیاس و بعدها کامل شرایط فعالیت حزب شما در راه رسیدن به هدف اصلی خود، یعنی بهبود شرایط زندگی مردم کشورتان، برای ما بس دشوار است. در زمانی که کشورتان را امپریالیسم جهانی تهدید می‌کند، زمانی که هر کوششی برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بی‌درنگ از بیرون در معرض حمله قرار می‌گیرد، شما مجبورید خود را در برابر نیروهای ارتجاع داخلی، در برابر محفل‌های اسلامی حاکم، نیز محافظت کنید که هر تلاش حداقلی را برای از میان بردن فقر، دستیابی به برابری، و حقوق بنیادی همه شهروندان ایران مانع می‌شوند.

در حال حاضر کشور ما هم دستخوش بحران سرمایه‌داری است، اما ایران علاوه بر این، در چنگال خفه‌کننده تحریم‌های بین‌المللی بی‌رحمانه و توجیه‌ناپذیر هم اسیر است، و پیوسته در معرض خطر مداخله امپریالیستی نیز قرار دارد که هدفش چیزی نیست جز تسلط بر منابع طبیعی کشور شما و غارت آن‌ها، حذف رقیبان احتمالی در تجارت نفت و گاز طبیعی، و از میان بردن هرگونه امکان استفاده از فرصت‌های پژوهشی، علمی و فناوری. ما این واقعیت را که، حزب شما به‌رغم شرایط آزاردهنده سرکوب جسمی و روانی موجود، فعالانه و با جدیت می‌کوشد تا بهترین شیوه را برای یافتن راه‌حلی درپیش گیرد که به سود همه مردم باشد، صلح را به کل منطقه بازگرداند، حق حاکمیت و شان و احترام مردم ایران و ملت‌های دیگر منطقه را بدون دخالت خارجی به آن‌ها بازگرداند، و به کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی مردم یاری رساند، عمیقاً درک و تحسین می‌کنیم. ما معتقدیم که، کنگره شما گام مهم دیگری در راستای هدف‌هایی از این دست خواهد بود. از طرف کمیته مرکزی "حزب کمونیست بوهوم و موراوی"، و همه کمونیست‌ها و خودم، برای شما موفقیت کامل، نیروی فراوان، و عزم راسخ در مبارزه‌های پیش رو آرزو داریم.

زنده باد همستگی انترناسیونالیستی!

با گرم‌ترین دروهای رفیقانه،

وی‌تک فیلیپ، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست بوهوم و

موراوی

پیام حزب مترقی مردم گویان

رفقای گرامی،

از طرف کمیته مرکزی و اعضای "حزب مترقی مردم گویان"، دروهای برادرانه خود را به مناسبت برگزاری "کنگره ششم" حزب توده ایران، به رهبری و اعضای آن حزب تقدیم می‌کنیم. قهرمانی حزب توده که همیشه در دشوارترین شرایط ممکن فعالیت کرده است، برای ما روشن و شایسته تقدیر است. دفاع بی‌شائبه و پیگیر شما از مردم به‌طورکلی، و از طبقه کارگر به‌خصوص، همواره و به‌طورکامل در نقطه مقابل نیروهای واپسگرا و استثمارگر بوده است.

کنگره شما در زمان بسیار مهم و بغرنجی از تاریخ تان برگزار می‌شود؛ مبارزه با نقشه‌های امپریالیستی، و هم‌زمان برضد رژیم‌های داخل کشور که عقب‌مانده‌ترین و استثمارگرترین نیروها را در ایران نمایندگی می‌کند، آن هم در شرایط بین‌المللی‌ای که سرمایه‌داری در بحران به سر می‌برد و مهاجم‌تر شده است، وظیفه بسیار دشواری

است. باید گفت که، مبارزه در خاورمیانه بی‌تردید از همه‌جا شدیدتر است. در این منطقه، از یک سو نیروهای امپریالیسم برای تسلط بر منابع غنی نفت تلاش می‌کنند، و از سوی دیگر، نیروهای بنیادگرای مذهبی مصمم به غل‌وزنجیر کردن توده‌ها در نظامی‌اند که با حکومت‌های دوران فئودالیسم مشابه است، و در عین حال، بهره‌کشی از انسان در آن بسیار شدیدتر است.

حزب توده نماینده نواندیش‌ترین و مترقی‌ترین نیروهای کشور است. حزب شما در شرایط سرکوب و اوضاعی بسیار دشوار به مبارزاتش ادامه می‌دهد.

ما می‌دانیم که در این مرحله حزب توده باید به مبارزه ملی برای آزادی و حقوق بنیادی ادامه دهد. ما به‌خوبی می‌دانیم که حزب توده با برخورداری از پیشرفته‌ترین تئوری و ایدئولوژی، این برتری بزرگ را دارد که مسیری را که مبارزه باید در راستای آن به پیش برده شود، به‌خوبی می‌شناسد.

ارزوی بحث و مشورت‌ها و تصمیم‌گیری‌های پُرباری را برای کنگره شما داریم که برآمد آن بی‌شک به شناخت بهتر و عمیق‌تر ما از اوضاع ایران کمک خواهد کرد.

بار دیگر همستگی خود را با شما در پیکاری که به پیش می‌برید، اعلام می‌کنیم.

زنده باد دوستی و همستگی حزب توده ایران و "حزب مترقی مردم گویان"!

کمیته مرکزی "حزب مترقی مردم گویان"

۲۰ بهمن ماه ۱۳۹۱ (۸ فوریه ۲۰۱۳)

پیام شادباش حزب کمونیست بنگلادش

حزب کمونیست بنگلادش دروهای گرم انقلابی خود را به حزب توده ایران و شرکت کنندگان در "کنگره ششم" آن حزب تقدیم می‌کند.

"ششمین کنگره" حزب توده ایران در شرایطی برگزار می‌شود که نیروهای کمونیست و دموکراتیک-چپ خاورمیانه با خطر جدی یورش‌های امپریالیستی و

بنیادگرایی مذهبی روبه‌رویند. علاوه بر این، فقر، گرسنگی، بی‌سوادی، سوء‌تغذیه، بیماری، و جز این‌ها، از دیگر مسئله‌های مشترک بین ملت‌های آسیاست. ما اطمینان

داریم که حزب شما خواهد توانست با موفقیت با این خطرها و بلاها به‌مبارزه برخیزد و مردم را در پیکار با امپریالیسم و رژیم دین‌سالار هدایت کند، و به سوی صلح و

پیشرفت گام بردارد. به شما اطمینان کامل می‌دهیم که حزب ما با قاطعیت در کنار

مبارزه شما برای رهایی اجتماعی مردم خواهد ایستاد. همان‌طور که می‌دانید، در

عرصه بین‌المللی، تجاوزگری امپریالیسم، و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا، بیش از پیش

افزون شده است، و رؤیای استعمار دوباره جهان را در سر دارد. تجاوز نظامی به لیبی

و مالی، حمله به افغانستان به‌وسیله "پهباد" (هواپیمای بدون سرنشین)، و تهدید

دائمی ایران و سوریه و بسیاری از کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای عرب دارای

منابع غنی نفت، نشان می‌دهد که امپریالیسم و به‌ویژه امپریالیسم آمریکا خواهان

بازگشت به روزگار قرون وسطا و نابود کردن دستاوردهای مهم و عمده بشر در زمینه

آزادی و دموکراسی است.

امیدواریم که حزب توده ایران وظیفه‌های انترناسیونالیستی خود را در امر مبارزه با

امپریالیسم، همستگی با مردم مبارز جهان، و برپایی ائتلاف گسترده ضدامپریالیستی،

با موفقیت به انجام رساند.

"حزب کمونیست بنگلادش" نیز با مداخله امپریالیستی در کشور، با استثمارگری

وحشیانه طبقه بورژوازی حاکم و دولت سرکوبگری که این طبقه بورژوا را نمایندگی

می‌کند، و با فرقه‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی، مبارزه می‌کند. ما در تکوین مبارزات

طبقه‌های زحمتکش-با هدف دستیابی به دموکراسی انقلابی با چشم‌انداز

سوسیالیستی- فعالیت داریم. حزب ما ضمن آنکه در چارچوب کشور با دشمنان

طبقه‌ای می‌رزم، در مقام بخشی از طبقه کارگر بین‌المللی در انجام وظیفه‌های

انترناسیونالیستی خود نیز می‌کوشد.

امیدواریم که حزب توده ایران و "حزب کمونیست بنگلادش" مثل همیشه دو

حزب برادر باقی بمانند و ضمن وفاداری به اصول مارکسیسم-لنینیسم و

انترناسیونالیسم پرولتاری، به همکاری عملی بیشتر و شناخت بیشتر از

موضع‌گیری‌های یکدیگر ادامه دهند.

برای کنگره شما آرزوی موفقیت داریم.

زنده باد دوستی میان حزب توده ایران و حزب کمونیست بنگلادش.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری.

زنده باد حزب توده ایران.

با دروهای برادرانه،

سید ابوجعفر احمد، دبیرکل "حزب کمونیست بنگلادش"

گرایش‌های ارتجاعی کنونی با عمل طبقه کارگر شکست پذیر است و شکست خواهد خورد.

درودهای برادرانه قلبی ما را بپذیرید. امیدواریم که "کنگره ششم" حزب توده ایران موفقیتی عظیم، و نویدبخش پیروزی‌های کارگران و مردم ایران باشد!

پیام حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه، به مناسبت کنگره ششم حزب توده ایران که در شرایطی سخت و مخفی برگزار می‌گردد، تبریک‌های گرم خود را به شما تقدیم می‌کند.

ما اهمیت این رویدادی که صورت می‌گیرد را در چارچوب شرایط حاکمیت ولایتی در ایران - که سرکوب‌گری جنایت‌آمیزی را اعمال می‌دارد - می‌سنجیم. ما موفقیت کامل فعالیت سیاسی شما در راستای صلح، دموکراسی، و عدالت اجتماعی را آرزو مندیم!

درودهای رفیقانه‌مان را نثارتان می‌کنیم.

"حزب کمونیست فرانسه"
پاریس - ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۱ (۱۳ فوریه ۲۰۱۳)

پیام حزب کمونیست‌های ایتالیا

رفقای عزیز،
"حزب کمونیست‌های ایتالیا" تهنیت‌های گرم و صمیمانه خود را به مناسبت برگزاری کنگره مهم‌تان نثارتان می‌کند.

نقشی که حزب شما، به همراه دیگر حزب‌های کمونیست، پس از فروری اتحاد شوروی، در تجدید سازمان جنبش کمونیسم جهانی ایفاء کرد، حیاتی بود. کنگره شما در دوره بسیار حساسی به لحاظ سیاسی برگزار می‌شود. ژرفش بحران اقتصادی در جهان، درگیری‌هایی که به دلیل تجاوزگری کشورهای امپریالیستی، نبود ثبات منطقه‌ای (نوار طولانی این بحران که از پاکستان و افغانستان تا خاورمیانه را درمی‌نوردد، تهدید جنگ در سوریه و در منطقه خاورمیانه را باعث شده است) صورت می‌گیرد، مشخصه‌های پس‌زمینه‌ی را که کنگره شما در آن برگزار می‌شود به نمایش می‌گذارد. از این فراتر، بحران سرمایه‌داری نقاب از چهره واقعی استثمارگری سرمایه‌داری برمی‌دارد و به میلیون‌ها کارگر و مردم زحمتکش در سراسر جهان نشان می‌دهد که سرمایه‌داری علت اصلی همه بی‌عدالتی‌ها و مصیبت‌ها است. به همین دلیل نقش نیروی کمونیستی‌ای با سیاستی انقلابی، در زمانی مانند حالا، بسیار تعیین کننده است.

ادامه در صفحه ۱۱

کمک‌های مالی رسیده

از طرف ماکویی	۵۰ یورو
از طرف باریش	۵۰ یورو
به یاد شهدای حزب خسرو روزبه، از طرف سرباز حزب	۵۰ یورو
برای پیروزی کنگره ششم حزب، از طرف سرباز حزب	۵۰ یورو
در روز جهانی کارگر، از هامبورگ	۵۰ یورو

پیام‌های احزاب کارگری و کمونیستی جهان به ششمین کنگره حزب توده ایران

پایانه حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا،

به: کمیته مرکزی و کنگره حزب توده ایران،
به: طبقه کارگر و مردم ایران،
رفقای گرمی،

"حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا"

خوشنود و مفتخر است که گرم‌ترین درودهای برادرانه خود را به مناسبت برگزاری "ششمین کنگره" حزب توده ایران تقدیم شما کند.

ما شاهد بوده‌ایم که حزب توده ایران چگونه مبارزه در راه دموکراسی، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم را در دشوارترین شرایطی که می‌شود تصور کرد، ادامه داده است، و ما این تلاش را تحسین می‌کنیم. پس از کودتای امپریالیستی در سال ۱۳۳۲ که سلطنت را بازگرداند، شما مجبور شدید مبارزه را در شرایط سرکوب شدید ساواک ادامه دهید. در پی سقوط رژیم شاه هم رژیم مذهبی‌ای واپسگرا قدرت را در دست گرفت که باز هم حزب شما را زیر ضربه‌های سرکوبگرانه بیشتری قرار داد، که بر اثر آن بسیاری از رفقای توده‌ای جان خود را از دست دادند. با وجود این، شما به مبارزه ادامه دادید و می‌دهید تا امروزه که پرچم دموکراسی و سوسیالیسم را برافراشته نگاه داشته‌اید. اوضاع کنونی وظیفه دوگانه‌ی را بر دوش شما گذاشته است: یکی مبارزه برای برقرار کردن رژیم دموکراتیک است که به طبقه کارگر و توده‌های مردم ایران این امکان و اجازه را بدهد که در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، از منافع خود دفاع کنند؛ و دیگری، مخالفت قاطعانه با تهدید مداخلة خارجی از سوی اسرائیل، ایالات متحده آمریکا، و قدرت‌های عضو "ناٹو" است.

تهدیدهای جاری نسبت به کشور شما، که از رهبری اسرائیل و جناح راست در ایالات متحده آمریکا سرچشمه می‌گیرد، موجب نگرانی شدید ماست. به‌رغم ماهیت دولت کنونی ایران، ما فعالیت صلح‌آمیز برای دستیابی به انرژی هسته‌ای را حق ایران می‌دانیم، و معتقدیم که حمله به ایران نه تنها برای مردم ایران مصیبت‌بار خواهد بود، بلکه خطر شعله ور شدن جنگی فراگیر در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر از جنگ با عراق را به دنبال خواهد آورد که برای کل منطقه خاورمیانه، و فراتر از آن، فاجعه‌آمیز خواهد بود. "حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا"، خود را به ادامه مبارزه برای پیشگیری از روی دادن چنان حمله‌ی به ایران، و ادامه تلاش برای پایان دادن به تحریم‌ها که فقط به زحمتکشان ایران آسیب می‌رساند، ملزم و متعهد می‌داند.

سیاسگزاریم که سندهای بارزتری را برای ما فرستادید، سندهایی که دیدگاه حزب توده را در مورد اوضاع اقتصادی و سیاسی کنونی جهان توضیح می‌دهد. سرمایه انحصاری جهانی و دست‌پرورده‌های سیاسی آن، در واقع تلاش دارند با گذاردن تمام بار بحران بر دوش کارگران و توده‌های مردم عادی، خود را از بحران بیرون بکشند. این روند هم در کشور ما و هم در کشور شما و هم در اروپا و جاهای دیگر در جریان است. اما طبقه کارگر همه‌جا با انرژی و توان فزاینده‌ی دست به مقاومت و مبارزه زده است. ما هم مثل شما معتقدیم که طبقه کارگر در همه‌جا پیروز خواهد شد، و

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 921
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

20 May 2013

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX